وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره هفدهم دوشنبه ۱۹ حوت ۱۳۸۱ - ۷ محرم الحرام ۱۴۲۵ - 10 March 2003

سرمقاله
زنان افغانستان قربانی تحجر قدیم وتجدد نوین
ص۲

تمام مذاهب فقهی زرع وتجارت مواد مخدر را حرام می دانند
ص۲

موضعگیری ها در برابر جهانی شدن
ص۳

هند ته ددولت درئیس سفر ته یوه کتنه

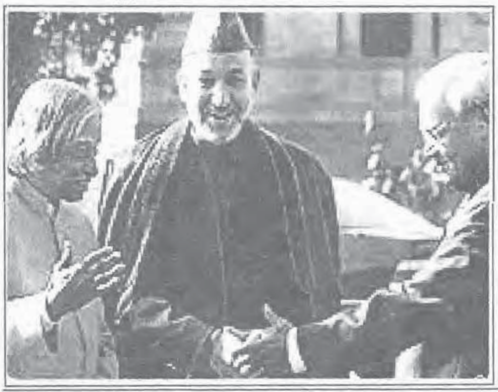
دانتقالي اسلامي دولت رئیس حامد کرزي له یو څلور ورځني سفر وروسته دحوت په ۱۷ مه بیرته کابل ته راستون شو.

دهند جمهوریت له کرزي نه ښه استقبال وکړ او دلوړ پوړو مقاماتو سره یې د دواړو هېوادنو د اړیکو پر لاپینګولو اغیزمني او مثبتي خبري اتري وکړي چې له دي اثراتو څني د ۷ ملیونو ډالرو بي سوده پور، د نیمروز او دلارام تر منځ د سړك جوړول، د ۷۵ بسونو ورکړه، د پولیسو په روزنه کي د هند ژمنه او د صادراتي څیزونو په باب دټکس اقل حد ته رسول شامل دي.

هندوستان په هېواد کې د سولي د نوي بهیر له منځ ته راتګ نه وروسته د مثبت دریځ په نیولو سره یو لړ داسي اقدامات کړي چې په عامه سطحه زموږ پر ولس یې ښې اغیزي شیندلي دي، لکه د کابل ښار د ترانسپورتي سیستم په فعالولو کی د ټاټا بسونو ورکړه، د آریانا افغان هوائي شرکت ته د دري ایربس الوتکو ورکړه او ښوونځیو نه دبیسکیټو ورکول یې ښه نموني دي.

موږ د هند د مرستي هر کلي کوو او ښاغلي کرزي چې هلته د افغانستان د ولسمشر په توګه په داسي عباراتو خبري اتري و کړي چي ویي شو کولاي د ملتونو په پیوستون او د نیکو اړیکو په ایجاد کي اغیزمن نقش ولري. دابښیي چي ښاغلي کرزي په بهرني سیاست کي اوچت ګام اخیستي دي.

له هېوادونو سره دافغانستان دوستانه اړیکي هغوي چي د یویل دبهرني سیاست سیالان دي، داسي ونه انګیري چي ګني "میبنه چي وهي نو کتي یي څوروه" بلکي موږ دیو مستقل او ازاد هیواد په توګه د خپلو ملي ګټو پر بنیاد له نړیوالو سره اړیکي لرو. او ښائي چي کرزي په بهرني سیاست کي دا اصل په پام کي ونیسي، لکه چي په مالیزیا کي د ناپیلو هېوادونو په سر مشریزه او دامریکا په متحده ایالاتو کي د کرزي وینا وي ددي سیاسي دریځ غوره بیلګي وي، موږ له ټولو ګاونډیانو او نړیوالو غواړو، چي په افغانستان کي د اقتصادي بدلون او غښتلي ملي نظام د ټینګولو له پاره په خپلو ژمنو ودریږي او دملي ګټو پربنیاد متقابلي اړیکي ټینګي کړي. او دا چي هند پر خپلو وعدو وفا وکړه دا د هېوادونو تر منځ یو ښه اقدام بلل کیږي.



به مناسبت عاشورای حسین (رض)

زینب وارث انقلاب حسین رضی الله عنه



آنگاه که نظام خلافت بعد از سی سال جایش را به سلطنت وپادشاهی داد وشوری وانتخاب امام به حاکمیت استبدادی فرد عوض شد وفضای عدل وآزادی راابر سیاه ستم واختناق فرا گرفت آزادگان سر باخته یی چون عبد الرحمن بن ابابکر، عبد الله بن عمر، عبد الله بن زبیر وحسن وحسین پسران علی خلیفه چهارم و... بی باکانه کوس مخالفت با این انحراف روشن از شیوه پیامبر وخلفایش را نواختند وآنرا رجعت ازنظام اسلام به قیصری روم وکسروی ایران خواندند .

باآمدن یزید بر منصهٔ قدرت سیاسی دایرهٔ این انحراف بیشتر گردید وطوفان مخالفت اصالتخواهان نیز ابعاد گسترده تری یافت که نهضت امام حسین ازتندترین امواج این طوفان بود .

امام حسین رضی الله عنه که غیر از انقلاب مسلحانه، دیگر همه شیوه های مبارزه رادر باز گردانیدن نظام اصیل اسلامی بی ثمر می دید دست به بر اندازی سلطنت ستم یزید از راه قیام خشمگین زد.
ص ۳

شیپور جنگ نواخته شد

برای صدام حسین ده روز دیگر ضرب الاجل تعیین گردید

درپی کنفرانس مطبوعاتی رئیس جمهور بوش در آستانه بر گزاری جلسه شورای امنیت به روز جمعه ومتهم ساختن بغداد به ادامه بازی ونیرنگ وآنگاه تدویر جلسه شورای امنیت به روز شنبه که درآن هانس بلیکس رئیس هیأت بازرسان ملل متحد ووزرای خارجه شورای امنیت به ویژه کولن پاول وجک استراو وزرای خارجه امریکا وانگلستان طی سخنرانی علیه بغداد اعلان جنگ داده وده روز برای صدام حسین رئیس جمهور عراق وقت دادند تا بدون طرفه رفتن وخدعه صادقانه وبه طور کامل همراه هیأت مفتشین ملل متحد همکاری نموده ومعلومات کامل وهمه جانبه درارابطه با سلاح های کیمیاوی وبیالوژیکی وبر نامه های هستوی خویش به هیأت مذکور ارائه کند درغیر آن پیامد های ناگواری برای بغداد در پی داشته وجنگ سوم خلیج فارس آغاز خواهد شد.

همچنان انگلیس وامریکا با تعدیل پیش نویس قطعنامه یی سعی دارند به روز سه شنبه تائید دیگر اعضای شورای امنیت رابگیرند .

به موجب این قطعنامه که از طرف بلغاریا واسپانیا نیز مورد حمایت قرار گرفته است صدام حسین ده روز فرصت دارد خود را خلع سلاح نماید درغیر آن بازور خلع سلاح خواهد شد .

ضربِ الأجل مذکور واکنش های متفاوت را درمیان اعضای شورای امنیت ایجاد کرده وبر گسترش اختلاف اعضای شورای مذکور دامن زده است

یازده تن ازوزرای خارجه شورای امنیت به شمول فرانسه، چین وروسیه که از حق ویتو نیز برخوردارند طی سخنرانی ضمن تاکید بر ادامهٔ کار هیأت مفتشین ملل متحد قاطعانه اعلان نمودند جلو تصویب قطعنامه پیشنهادی انگلیس وامریکا را خواهند گرفت.

هکذا دو مینیک دوویلین وزیر خارجه فرانسه پیشنهاد نمود که روز سه شنبه ،درروز رأی گیری، باید تمام سران اعضای شورای امنیت حضور داشته باشند پیشنهادی که فوراً توسط
ص ۸

ترور و دهشت افگنی در افغانستان تشدید یافته است

قرار گزارش رسانه های خبری نه تنها این که در سرحدات افغانستان با پاکستان پیمانهٔ درگیری های مسلحانه رو به ازدیاد است، بمب گذاری ها و سایر اقدامات تروریستی نیز به مقایسهٔ چند ماه قبل ازدیاد قابل ملاحظه یی یافته است.

نیروهای حافظ صلح در کابل با در نظرداشت این موضوع تصمیم گرفته اند، گزمه های خود را دراطراف کابل ازدیاد بخشند.

این مطلب را نطاق قوای حافظ صلح جرمنی ضمن کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشته می افزاید: این گونه عملیات در تعهد نیروهای بین المللی کمک به امنیت افغانستان کدام تغییری وارد نمی کند' منظور این نطاق از بمب گذاری روز جمعه است که در مسیر حرکت قوای حافظ صلح جاسازی گردیده بود و با انفجار آن یک ترجمان افغان کشته شد ویک سرباز هالندی مجروح گردید. درعین حال گزارش دیگر حاکی است که روز پنجشنبه ۱۵ حوت دو بمب جاسازی شده درمرکز شهر جلال آباد منفجر گردیده است .

با تشدید این اقدامات نتیجه گیری این خواهد بود که درصورت آغاز جنگ برضد عراق حملات انتقام جویانه در افغانستان افزایش خواهد یافت .

این در حالیست که نیرو های امریکایی مستقر در افغانستان که هم مرز با پاکستان اند، تقریباً هر روز به فعالیت زمینی وهوایی جنگ وجستجو در دره ها ومغاره ها مصروف اند ونشانه هایی از ختم این فعالیت ها به نظر نمی آید .

پس با توجه به رخداد ها وگزارشهای متعدد نظامی این نگرانی روز افزون می شود که افغانستان روز تا روز به پیمانه وسیعتری شاهد درگیری وتشنج خواهد شد، مخصوصاً در نوار جنوبی سرحدات خویش، خطوط طویل قبایل که در آنسوی مرز، پناهگاه اصلی جنگجویان وتروریست های طالبان والقاعده به حساب می آید .

هند در اعمار سرک زرنج - دلارام مساعدت می کند

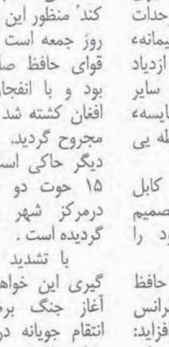
۱۸ حوت:

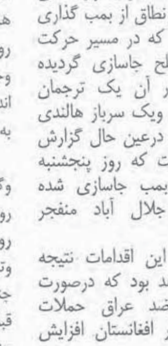
کشور هند هفتاد ملیون دلار امریکایی را برای اعمار شاهراه زرنج -دلارام در جنوب غرب کشور مساعدت می نماید.

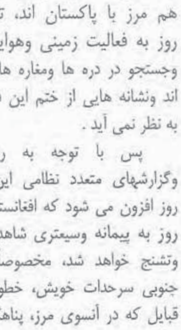
این سرک دوصدو ده کیلو متر طول دارد که با مصرف هفتاد ملیون دلار امریکایی از مساعدت کشور هند در امر بازسازی افغانستان اعمار می گردد.

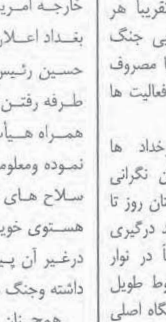
اعمار این سرک یک گام ارزنده یی در جهت بهبود امور ترانزیتی و اقتصادی به حساب میاید.

جانب هند در نشستی با هیات بلند پایه افغانی در هند موافقت کشور خود را اعلام نموده و مبلغ هفتاد ملیون دلار امریکایی را که به این منظور تخصیص داده شده است، به جانب افغانی تحویل دادند.









به مناسبت هشت مارچ

دیدگاه زنان در بارهٔ حقوق زن در گذشته وحال جامعهٔ افغانستان

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

زنان افغانستان
قربانی تحجر قدیم و تجدد نوین

زن در فرهنگها و تمدن های گونه گون انسانی جایگاه یکسان نداشته است هرچند در بسیاری از وهله های تاریخ در همهء جامعه ها مورد ستم قرار گرفته است.

زن در باختر در پیش از عصر جدید به گونهء فراگیر از احراز مقام انسانی اش محروم بود و در اندیشه فیلسوفان و اندیشه ورزانی بزرگ مانند افلاطون و ارسطو در یونان باستان به عنوان موجودی حقیر تلقی می گردید و حتی در عهد نوین در دید فیلسوفانی مانند شوپنهاور فیلسوف بزرگ آلمانی ارجی بلند نداشت و ناپلیون با صراحت برای او ارزشی قایل نبود. زن با داشتن این همه مقام نا ارجمند در فرهنگ باختر، در عصر جدید در اثر مجاهدت هایی بسیار بزرگ به مدارجی از حقوق انسانی دست یافته است.

اما سرنوشت زن در جهان اسلامی از جمله کشور خود مان افغانستان تقریباً در جهت مقابل تجربهء زن در جهان باختر قرار دارد. زن در فرهنگ اسلامی و ارزش های ماندگار آن قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم از جایگاه ارجداری در همسرشتی با مرد بهره مند است، قرآن کریم او را با مرد در نهاد و فطرت از یک خمیره می خواند وپیامبر صلی الله علیه وسلم "زنان را نیمهء تن مردان" در جامعه می داند.

زن در عصر نخستین اسلام در محضر پیامبر صلی الله علیه وسلم وجای نشینان ایشان در همه عرصه های زندگی، میدان نبرد با دشمنان، و مداوای زخمیان، و آموزش وپرورش، و عبادت ونیایش و... حضور یافت. اما وقتی جامعهء اسلامی اندکی پس از دوران زرین اسلام دچار انحراف گردید زندگی جامعهء اسلامی در برخی از زمینه ها از جمله در مسایل زنان از رسوبات وبازمانده های فرهنگ ها و تمدن ها پیشین اثر پذیرفت و با ورود بسیاری از عادات نا میمون پیشنیان به گونه باور دینی به زندگی مسلمانان، بر زنان جفا روا داشته شد و آنان برخی از جایگاه و حقوقی را که وحی الهی برایشان آورده و در جامعه نخست اسلامی به دست پیامبر صلی الله علیه وسلم وجای نشینانش تحقق یافته بود از دست دادند.

لهذا باید در مطالعه همهء عرصه های فرهنگ و تمدن اسلامی به ویژه مسائل زنان، ارزشهای ثابت و نامتغیر متکی به وحی الهی وسنت پالودهء پیامبر صلی الله علیه وسلم را از تجارب تاریخی جامعه های مسلمان که فارغ از اثر پذیری از فعل و انفعالها و رسوبات فرهنگ ها و تمدنهای دیگران نیست باز شناخت و با مطلق نگری و اصدار احکام کلی نباید مرتکب اشتباه شد. متأسفانه در افغانستان در بارهء زن هم دید دینی و هم دید ضد دینی دچار همین اشتباه بوده است، کسانی مانند طالبان با تحمیل چیزهایی به نام دین برزنان ستم ورزیده اند و کسانی دیگر با توسل به این ها به ساحت دین تاخته اند.

زن در فرهنگ اصیل اسلامی در ارزشمندی و حقوق از مقامی بلند بهره مند است که هر گز تجربهء انسان گرایانهء بشری در عصر نوین به دامان آن دست نخواهد یافت.

ما به این باوریم که اگر زن جامعهء ما به درستی از جایگاه و حقوقش در آموزه های راستین دینی آگاهی یابد برای حضور و ایفای نقش انسانی در عرصه های زندگی ناگزیر نخواهد بود که در پی ناهنجاری های شیوه های دیگران برود، او می تواند هم حضورش را در این عرصه ها حفظ کند و بالندگی بخشد و هم پیوندش را با دین، چیزی که نه تنها در این سالها در جهان اسلامی غریب نمی نماید که برخی از فرهیختگان و نخبگان باختر نیز برای پاسداری از تمدن نوین به توجه بدان تأکید می ورزند.

بی تردید در تجلیل و گرامی داشت از روز هشتم مارس که ارج گذاری به تجاربی بلند برای دست یافتن زنان به مقام انسانی است نظر داشتن به این فراز و فرودهای فرهنگی تاریخی بسیار مهم است، تا زن جامعهء ما یک بار دیگر قربانی تحجر قدیم یا تجدد نوین نگردد.

فتوای مولوی محمد موسی

تمام مذاهب فقهی زرع وتجارت مواد مخدر را حرام می دانند

مولوی محمد موسی که یکی از عالمان بلند پایه کشور ماست درجلسه یی که هفته گذشته از سوی کمیسیون مبارزه با مواد مخدر در کابل برگزار گردیده بود خطابی از سوی وی در آن جلسه قرائت شد که فشرده یی از آن را به جهت اهمیتش در باب مبارزه با مخدرات به نشر می رسانیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله والصلوه علی رسول الله ومن بهدیه اهتدی وبعد،

باید خاطر نشان سازم که مشکل مواد مخدر تنها مشکل ملت ما نیست، بلکه این مشکل دامنگیر تمام ملت ها و بشریت گردیده است.

از همین رو اجتماعاتی را که به خاطر جلو گیری از این مشکل صورت می پذیرد، می توان اجتماعاتی برای نجات بشریت خواند. باید دانست اگر همچو اجتماعات بر مبنای برنامه های اصولی و طرح های عملی انجام نشود، نتیجهء مطلوبی نخواهد داد.

از جمله طرح هایی عملی که در بین مسلمین موفق از آب در می آید، مبارزه علیه جنایات از راه اعتقادات آن هاست، زیرا مسلمین در آن صورت همچو مبارزه را به مثابهء وجیبهء دینی خود تلقی می کنند و در اجرای آن می کوشند و از آن با جدیت پشتیبانی می نمایند و زمانی یک برنامه وقانون از طرف مردم پشتیبانی وحمایت شود، خود به خود به موفقیت می انجامد. روی همین اصل باید مبارزه علیه مواد مخدر، با در نظر داشت اساسات اسلامی صورت گیرد تا به موفقیت بیانجامد.

روی این ملحوظ می خواهم، مسالهء مواد مخدر را برمبنای چند اصل فقهی مطرح نمایم:

اصل اول: شرایع آسمانی با مخدرات عموماً ضدیت دارند، زیرا هیچ دین آسمانی نیامده است مگر برای حفظ پنج مقصد:

۱-حفظ دین
۲-حفظ جان
۳-حفظ عقل
۴-حفظ نسل
۵-حفظ مال

در صورت استعمال و اعتیاد مخدرات تمام این مقاصد از میان می رود.

اصل دوم: استعمال وترویج مخدرات وداد وستد آن مخالف اصول و قواعد شریعت اسلام است، شریعت اسلام می فرماید:

الضرر یزال "زیان برداشته می شود"

لا ضرر ولاضرار فی الاسلام "در اسلام زیان رسانیدن به دیگران وپذیرفتن زیان هردو ناجایز است"

امروز اضرار مالی و بدنی و عقلی و ... مخدرات برهمگان معلوم و مکشوف گردیده است.

اصل سوم: تعامل با مخدرات مخالف "نص" قرآن و حدیث پیامبر است.

قرآن کریم می فرماید:

۱-**انماالخمروالمیسر والانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه.** "الایه"

۲-**ولا تقتلوا انفسکم انه کان بکم رحیماً** "الایه"

۳-**کل مسکر خمر وکل مسکر حرام** "حدیث شریف"

۴-استعمال وترویج مخدرات مخالف تعهدات بین الدول است که شرعاً ما مسلمانان به مراعات آن ماموریم. خداوند می فرماید:

یا ایهاالذین آمنوا اوفوا بالعقود.

روی این همه دلایل است که فقهای کرام در تعامل با مواد مخدر احکام ذیل را فیصله و صادر کرده اند:

۱-اتفاق تمام مذاهب اسلامی به تحریم مخدرات (تحریم زرع، تجارت و تعامل آن) است.

۲-مجالس مخدرات، مجالس فسق وگناه بوده و حضور در چنین مجالس حرام است.

۳-دادن صدقه وخیرات از مفاد حاصل از مواد مخدر ثوابی ندارد، پاداش دست اندر کاران این کسب حرام. در آخرت عذاب می باشد.

۴-تداوی با مخدرات حلال نیست، مگر در صورتی که دوای دیگری نباشد، و آنهم به قدر ضرورت.

۵-بعضی از علمای احناف مستحل (حلال شمرندهء) مواد مخدر را کافر می دانند.

۶-به قول عده یی ازفقها جزای استعمال مخدرات تعذیر است و به قول عدهء دیگری از علماء جزای "حد" است.

۷-بعضی از مجالس فقهی در صورت تکرار ترویج وخرید وفروش مخدرات، حکم اعدام عامل آن را تجویز نموده اند.

۸-بر تمام مسلمین واجب است که مسوولین مبارزه علیه مواد مخدر را همکاری نمایند، تا از تجارت و کشت و تعامل آن جلوگیری به عمل آید.

این کار از قبیل خیر خواهی به خاطر خدا (ج) و رسول او وعامهء مسلمین و امام مسلمین محسوب می شود.

راه نجات ازچنگال این بلا:

۱-ایجاد وتقویهء یک ادارهء کلان برای مبارزه علیه مواد مخدر و تأمین همهء نیازمندی های آن تا بتواند با به کار گیری راه های مختلف عملاً دست به کار شود.

۲-مردم طوری آمادهء مبارزه علیه مواد مخدر شوند که به خاطر ایفای وجیبهء دینی از منافع دنیایی خویش، هرچند زیاد هم باشد، چشم بپوشند.

۳-تدریس قوانین شرعی و عرفی در بخش های مختلف قضایی واجرایی تا مسوولین این بخشها از روی ایمان و اعتقاد به حرمت شرعی مخدرات بر ضد آن اقدام کنند.

۴-تقویهء نیروهای امنیتی واکمال آنها به شکلی که در کار خود جدیت به خرج دهند.

خطابه های سران دولت زمانی موثریت خواهد داشت که اقدام عملی در پی داشته باشد و امانت مالی را که مربوط به مبارزه علیه مخدرات است از طریق ارگان های ذیربط همچو کمیسیون مبارزه علیه مخدرات و در همین راستا صرف جلوگیری از زرع، تولید، تجارت، قاچاق و استعمال مواد مخدر نمایند. ورنه این مرگ سفید عام گردیده، گریبانگیر همهء ملت خواهد گردید.

قسمت دوم

ترجمهء فضل الرحمن فاضل

نقش تعصب قومی در سقوط دولت اسلامی اندلس (هسپانیه)

فرمانده فاتح، طارق بن زیاد بربری بود، اما عرب ها احساس می کردند، ایشان فاتحان اصلی سرزمین اندلس اند. استوار بر این اندیشه که آن ها نخستین نژادی اند که پرچم اسلام را بر افراشتند و سایرین به دنبال ایشان راه افتادند. قرآن کریم به زبان شان شرف نزول یافت و خداوند از میان نژاد آنان، حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) را به پیامبری برگزید.

همچنان فرمانده لشکر دومین که فتح اندلس را در سال ۹۳ هجری به کمال رساند، موسی بن نصیر بود. لشکر او از هژده هزار عرب تشکیل یافته بود. افزون بر آن طارق بن زیاد به هدایت موسی بن نصیر والی و ولید بن عبدالملک خلیفه که هردو عرب بودند، به فتح اندلس اقدام کرد. عرب ها با دلایل یاد شده خود را فاتحان اصلی اندلس می شمردند.

آن ها با این احساس سرکش بر تری خواهی نژادی داخل میدان شدند و مساله در حد احساس توقف نورزید، بلکه به زودی این احساس به سلوک عملی و حتی به قانون عرفی ای تبدیل یافت که مردم در سایه های آن با وجود نارضایتی، حیات به سر می بردند.

بر مردم اندلس قانون خود ساختهء فاتحان جدید فرمان می راند، نه آن مبادی و اصول عدالت آفرین اسلام که به آن ایمان آورده بودند و به آن آیین، به اساس شناخت گرویده بودند. آن ها به این باور بودند که اسلام نظام عدالت، مساوات و اعطای حق به حقدار است، اما مدعیان اسلام در زندگی عملی خویش از آن دور بودند.

ارتش فاتح اسلام تا هنوز بر اندلس تصرف عام و تام نه نموده بود که عرب ها برای خویشتن "حصهء بیشتر" (سهم شیر) را با تصرف زمین های حاصل خیز از آن خود کردند و به سمت های شرقی و جنوبی که هم حاصل خیز است و هم دارای هوای معتدل و خوبی های دیگر نیز می باشد، ره گشودند و بربرها را به مناطق مرکزی و شمالی که بایر، خشک و سرد بود و در پهلوی آن بایست با دشمنان بیرونی نیز مقابله می کردند، کوچ دادند. این ستم آشکار، نقش بنیادی را در پدید شدن اختلاف بین عرب ها و بربرها در آینده ایجاد کرد.

با پایان یافتن سال های فتح (۹۲-۹۵ هجری قمری) موسی بن نصیر به آرزوی دیدار ولید بن عبدالملک خلیفهء اموی، عازم دمشق گردید و پسرش عبدالعزیز را جانشین خویش تعیین کرد که فرمانروایی او از سال ۹۵ الی ۹۷ هجری قمری ادامه یافت.

این عصر را که در تاریخ اسلام به نام عصر والیان یاد می کنند که در مدت اندکی یک والی جای والی دیگر را می گرفت، طوری که از سال ۹۵ تا ۱۳۸ هجری قمری بیست والی تعیین و تبدیل شدند که برخی از ایشان برای بیش از یک بار هم به این منصب دست یافت.

جابه جایی والیان، نشانهء بارزی از عدم وجود استقرار در اندلس را می رساند که بیماری تعصب نژادی را در اواخر سدهء اول و اوایل سدهء دوم هجری رشد داد، و این تعصب تنها میان عرب ها و بربرها نبود، بلکه این گونه برتری خواهی در میان عرب های قحطانی و عرب های عدنانی نیز نشو و نمو یافت.

برادری اسلامی که همه مسلمانان را در چوکات دولت نو تاسیس و جوان اسلام در مدینه منوره با هم مزج و خلط کرد و شریعت اسلامی استوار بر عدل که تجاوز و ستم را در آن راه نیست، یگانه راه و روشی بود که جامعهء اندلس به آن نیاز داشت، به ویژه اگر ما این حرف را در نظر داشته باشیم که دشمنان کمین کرده در شمال در عقب کوه های "برتات" بدخواهان همیشگی اندلس بودند.

ادامه دارد

موضعگیری ها در برابر جهانی شدن

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

پیوست به گذشته

موضع خوشبینانه:

پرچمداران چنین دید گاه هم به سان گروه پیشین، جهانی شدن راآماج نقد قرار داده ولی نسبت به آینده آن بالای رویکرد دیگری پا می فشرند.

گروه یاد شده به این باور اند که جهانی شدن به سان موجی گذرائی است که زودتر از آنچه گمانش رامی کنیم،فروکش خواهد کرد.

این دسته گونه دیدخویش دراین زمینه رابربنیادبرخی نتیجه گیری های تأریخی وواقعیت های موجود دروضع کنونی جهان غرب وبگونه خاص امریکا،مبنی می دانند.

"تألیس اومیهار" فیلسوف جاپانی به این باورست که شکست کلی مارکسیزم وفروپاشی تراژیدی بار اتحاد شوروی هریک نوید بخش فاجعه ای اند که درانتظارلیبرالیزم غربی قراردارد.

یقیناًاین لیبرالیزم هم درآینده نه چندان دور ازهم خواهد پاشید.

مؤرخ امریکائی"پول کنیدی" بنا به قانون سقوط دولت های سلطه گر درجهان به این باورست که امریکا درحال کنار رفتن ازموقعیت کنونی خویش،درجهان قرار گرفته است که دلیل آن هم وجود کاستی ها درآن جامعه بوده وچنین کاستی ها هرگاه درجامعه رونما گردد،پیامدی جزفروپاشی نخواهد داشت(۱) .

عبدالحمید حماد یکی از دانشمندان جهان عرب به این باورست قومیت ونشنلیزم "میکه گول ازآن به محرک تأریخ نام می برد" یگانه چیزی است که مارکسیزم رابه ویرانی سوق داده است.

همین جهانی شدنیکه چالشی نسبت به قومیت هاوویژگی های آن به حساب می رود عنقریب قومیت هارابرخواهد انگیخت تاجهانی شدن راقربانی خود نماید(۲).

"مارتین وشومان به این باورند که این سرمایه داری شتابان وپیشروکه پیروزی اش جلوه حتمیت داشت،اکنون درراه نابود سازی آن پایه های – چون دولت بهم پیوسته وثبات ملی- است که ضامن وجودش به حساب می رفت.

امروز بسا اقتصاد دانان وسیاستمداران لیبرالست، جهان رابه پیروی از الگوهای امریکائی فرامی خوانند، مگر واقعیت این دعوت فریبا، شبیه به دعوت المان شرقی است،آنگاه که خویشتن راالی الابد پایاوباقی تصور نموده وپیروزی اتحاد شوروی راامری تلقی می کرد جاودانه وپایدار.

بناءً جایگاه مناسب برای نابودی کمونیزم همان زادگاه اصلی آن بوده، همانطور که بهتر ازایالات متحده جای دیگری برای سقوط انقلاب سرمایه داری نمی توان تصور نمود. (۳)

آنچه را که در این زمینه می توان علاوه کرد، این است که این جهانی شدن با سرشت طغیان منشانه خود، برجان ها، دارائیها، باورها و ارزش ها، آگاهی مسلمانان نسبت به این ظلم و ستم روایی ها را، ژرفای بیشتر بخشیده و آنان را بر می انگیزد که به خود به خاطر بر افراشتن مناره ارزش های والای خود که از انسانیت پامال شدهء انسان توسط جهانی شدن، پاسداری می نماید، به دین خویش بازگشت نمایندوقوانین خویش را در سطح امت اسلامی و همه جهان، بر قوانین و مبادی جابرانه دیگران برتری دهند.

یقیناً موضعگیری از این طراز، موضعگیری است انکار گرایانه در برابر آن موقف جبری گرای اولی که جهانی شدن را چون حتمیت طبیعی بخوانش گرفته و هرگونه تصرفی را از انسان در برابر آن نفی می کند.

جهانی شدن بربنیاد چنین طرز دید و قرائنی، همان خواسته ها و رغبت هاواراده های سلطه جویانه ای است که به موجب آن ها میثاق ها و قرار دادها عقد گردیده و دستگاه ها و نهاد های در راستای تحقق آن به کار گرفته شده است.

می شود این جهانی شدن را به چالش گرفت و از خالیگاه های آن بهره جست و در برابر بیراهگی سلطه آن ایستادگی نشان داد، در چنین حالت هائی است که روزنه های خیری بر روی جوامع انسانی گشوده خواهد شد و بسا احتمال آن می رود که همین نیروهای جهانی شدن در صورت احساس عدم مفید بود آن نسبت به اهداف برنامه ریزی شده آن ها، بر ضد شان بشورند طوریکه امریکا و بریتانیه در برابر یونسکو –آنگاه که احساس نمودند تابع اراده وخواست آن نمی باشد- چنین کاری نموده و از آن، بیرون شدند.

آری! بربنیاد همچو یک تحلیل برخی ها به این باورند که جهانی شدن چنان داده آماده و به سر رسیده ای نیست که بر صحت آن داوری نموده و موضع خویش را در برابر آن مشخصاً اعلان نماییم.

جهانی شدن همانطور که "بوحلیقه" می گوید: نه چنان پدیده بسیط وساده و خالی از هرگونه شک و شبه بوده و نه هم چنان دسیسه بزرگ است که تاروپود آن رشته ورسیده باشد.(۵)

نسبت جهانی شدن به ما همان نسبتی است که ما در برابر آن داریم.

اگر توانستیم از تحولات به سود خویش بهره برده و با جدیت و آگاهی با آن معامله کردیم، پیروزی ما هم برای شخص مان امری است محتوم و هم برای آن هائی که در بیرون از دایره ما قرار دارند. ولی اگر در برابرآن ناکار آمدی از خود نشان داده و سر افگنده بودیم به یقین که دیگران بر وفق منافع خویش برما حکومت خواهند نمود و ناکامی و زیانپذیری نصیب ما خواهد شد.

اری! همین بود موضعگیری ها در برابر جهانی شدن که به صورت فشرده برآن ها اشاره رفت.

اگر علمبرداران موضع نخست که مژده آوران جهانی شدن به حساب می روند فراخوان داخل شدن در آن را بدور راه های پرخم وپیچ تاریخ –طوری که سعد الدین ابراهیم می گوید- سر می دهند، پرچمداران موضع دوم به ویژه اسلامگرایان، با رد نمودن این جهانی شدن، به خاطر هراس از بیراهگی در جریان جهانی شدن به حمایت از ویژگی فرهنگی خود دعوت می نمایند.

برخی ها هم پا را از این فراتر گذاشته و جهان وطنی عادلانه و مهربانانه اسلامی را در برابر جهانی شدن به خوانش می گیرند که در حلقه بعدی اراده داریم موضع شایسته امت اسلامی در برابر جهانی شدن را به بررسی گیریم.

۱–نهایه التاریخ ام البحث عن طریق جدیدؤ مجله الثقافه العالمیه شماره ۹۷ ص۶۳

۲–الاتجاهات المفاده اللعومه مجله المعرفه محرم ۱۴۲۰ ص ۴۱.

۳–مرجع پیشین

۴–فخ العولمه ص۳۵.

۵–مجله المعرفه ص۳۲.

۶–مجله المعرفه ص۱۵.

زینب وارث انقلاب...

انقلاب خونین کربلا با المناک ترین نمایش تراژیدی اش باب ستیز قهر آمیز علیه نظام های ستم واستبداد رابه روی تمامی عدالت طلبان مسلمان به مثابهء یکی ازشیوه های مشروع تغییر، گشود .

درمیان شخصیت ها وپرسوناژهای این داستان غم انگیز عدالت خواهان درکنار یاران دلباختهء حسین علیه السلام، زنان بزرگ وایثارگری چون زینب سترگ وام کلثوم دختران علی، همسر عبدالله بن عمیر، مادر وهب بن عبدالله کلبی وده ها زنی را درمی یابیم که نقش شان درآفرینش این نمایش عظیم به هیچ وجهی کمتر ازنقش مردان قهرمان این داستان نبوده است .

هر یکی ازاین زنان بزرگ وآزاده شخصیتی دارد به بزرگی پهنهء کربلا وعمق وژرفنایی به پیمانهء اثر این حادثه درانقلابات ستم زدائی تاریخ که بی تردید پرداختن به هر یکی از ایشان در این مختصر فرصت میسر نیست .

آنچه در این عجاله مقدور است اینکه به فرازهایی از شخصیت زینب یکی از دو قهرمان این حادثه به عنوان برجسته ترین زن حاضر در صحنه اشاره سریعی نماییم، چون به قول دکتر علی شریعتی انقلاب کربلا دو چهره داشته است: خون وپیام که قهرمان خون وایثارگری حسین است وقهرمان پیام زینب . حسین با خون سرخش جهاد وستیزندگی علیه نظام ظلم را به آزادگان سنت گذاشت وزینب با سخنان آتشین وموقف پایدارش خون برادرش رادر رگ های تاریخ ازوهلهء ریزش تا امروز جاری ومستمر نگهداشت .

زینب زنی نبود که تنها برازندگی ورفعت شخصیتش در صحنه های دشوار کارزار کربلا تجلی نماید بلکه او از شخصیت های نادر زمانش بود که ابعاد گوناگون یک مسلمان بزرگ در سیمایش تبلور داشت .

زینب نه تنها الگوی متعالی "انقلابی خوب" بودن است که الگوی "دختر خوب" بودن "خواهر خوب" بودن، "مادرخوب" بودن و "همسر خوب" بودن نیز هست .

زینب برای برادرانش حسن وحسین خواهر خوبی است ودر مهر ورسالت خواهری درقبال آنان حد کمال رامی پیماید وبعد از مرگ مادرش طبق وصیت وی مسوولیت مادری رانیز در برابر ایشان بدوش می گیرد ودر یک وقت برای آنان هم خواهر وهم مادر می شود، واین احساس خواهری ومهر وعشق حسن وحسین لحظه یی قلب آگنده از محبت زینب را ترک نمی کند وحتی بعد از رفتن به خانهء شوهر واشتغال به زندگی خانواده گی بازهم از وارسی امور آنان غافل نمی ماند.

زینب در سن جوانی با پسر کاکایش عبدالله بن جعفر طیار ازدواج می کند وازوی پنج فرزند، سه پسر ودو دختر به دنیا می آورد .

او در عرصهء زندگی مشترک زنا شوهری از هیچ نوع ایثار وفداکاری در برابر شوهر وخانواده اش دریغ نمی ورزد وبه عنوان یک همسر شایسته تبارز می نماید .

زینب بانویی است عالم، فقیه، قاری، حافظ کتاب خدا، پرهیز گار وجایگاه بر صدر مجلس علمی زنان دارد ، تفسیر قران کریم واحادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم را از مادر،پدر وبرادرانش آموخته بود.

زینب درد انگیزترین حوادثی را درزندگی نه چندان طولانی اش می بیند، رحلت جانگداز جد بزرگوار، پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم ودر پی آن مرگ مادر مهربانش فاطمه قلبش را مجروح می سازد وشهادت پدر گرامی اش علی، امام چهارم مسلمین بعد از سالیانی براین زخم های فراموش ناشدنی داغ تازه یی می گذارد ومرگ توطئه آمیز امام حسن توسط جعده دختر اشعث بن قیس ضربهء دیگری است که بر روح بلند وقلب مجروح زینب فرود می آید .

زینب با چنین پیشینهء زندگی وهمسر نوشتی با غم ودرد وارد صحنهء معرکهء حسین علیه نظام ظلم شاهی یزید می گردد، وآنگاه که سپاه داد خواه برادرش به دست جلادان نظام در پنهء کربلا به خاک وخون کشانیده می شوند وزینب چگونه به خون تپیدن برادرانش حسین و عباس وجعفر و عبدالله و عثمان و محمد اصغر وابوبکر وپسرانش عون ومحمد چهارده تن از برادرزاده هایش وجمع غفیری از تبار ودوستان خانواده اش را از نزدیک می بیند، بی تردد و تزلزل پرودگار دادگرش را با این کلمات نیایش می کند: "اللهم تقبل منا هذا القلیل من القربان" "ای پروردگار من! این قربانی اندک را از ما بپذیر". چون او خوب می داند که فداکاری و جهاد در راه اسلام جای فخر فروشی بردیگران نیست که عبادتیست باید با تضرع و خشوع انتظار قبولش را از خداوند (ج) داشت.

وقتی زینب بعد از پایان معرکه در جمعی از زنان و دختران و پسران آل پیامبر صلی الله علیه وسلم در چنگ سپاه عبیدالله بن زیاد اسیر گردید، وارد شهر کوفه می شود، زنانی که سن آنان از سی سال تجاوز می کرد او را می شناسند. چون تا هنوز از روزی که پدرش علی خلیفه چهارم مسلمانان در این شهر کشته شده بود بیش از بیست سال نمی گذشت. آنان زینب را در روزگار خلافت پدرش دیده و حرمت وی را درچشم علی و منزلت وحشتمش را در دیدهء پدران و شوهران خود به یاد داشتند. دیدن این منظره خاطرات گذشته را زنده کرد و کوی وبرزن و کوچه و بازار پر از شیون شد. زینب که خود شاهد غدرها و پیمان شکنی ها و بی وفایی های این نوحه گران بود وقعی به اشک های تمساح گونه آنان ننهاد و آن ناله ها وضجه ها راهی به سوی قلب پرعطوفتش نگشود. بل با سخنان برخاسته از قلب حزین و حلقوم خشکیده اش آنان را در پیمان شکنی و بی وفایی مورد نکوهش و توبیخ قرار داد: "ای مردم کوفه! مردم مکار وخیانتکار! هرگز دیده های تان از اشک تهی مباد! نه پیمان شما را ارجی است و نه سوگند شما را اعتباری! جز لاف، جز خودستایی، جز درعیان مانند کنیزکان تملق گفتن و در نهان با دشمنان ساختن چه دارید؟!..."

کاروان اسیران با عبور از میان شهر کوفه راه کاخ پسر زیاد والی یزید در کوفه را در پیش گرفت و وارد مجلسی که وسیله وابزار قدرت نمایی تاحد ممکن در آن فراهم شده بود، گردید. پسر زیاد به گمان خویش راه پیروزی را تا پایان پیموده بود؛ حسین را کشته و زنان و دختران او را در برابرش اسیر و دست بسته می دید، از سر غرور به اسیران مغلوب می گفت:

"خدا را شکر که شما را رسوا کرد و نشان داد که آن چه می گفتید دروغی بیش نبود. زینب برای آن که قدرتمند ستمگر را در اوج قدرت نمایش با ناچیز شمردن قدرت وی مسخره کند چنان به سخن می آید که توگویی چیزی اتفاق نیفتاده است، نه کسی از او کشته شده و نه او را به اسیری گرفته اند و نه این مردی که او در برابرش آماده پاسخ گوییست می تواند او و همه کسانی را که با او هستند به اشارتی نابود سازد زیرا که بی اعتنایی به قدرت ستمگر از هر وسیلهء دیگر برای وی خرد کننده تر است.

کلمات زیر سخنانی از پاسخ زینب است:

"سپاس سزاوار خدایی است که ما را به محمد گرامی داشت. جزفاسق دروغ نمی گوید، جز بدکاره رسوا نمی شود و آن ما نیستیم، دیگرانند.

پسر زیاد وقتی زینب را در برابرش گردن فراز تر از اول یافت برای بار دوم خواست او را به شکستی قابل لمس روبرو سازد. روی به او کرد و گفت:

دیدی خدا با برادرت چه کرد؟!

زینب با متانتی بیشتر از بار نخست پاسخ داد: ...از خدا جز خوبی ندیدیم! برادرم ویاران او به راهی رفتند که خدا می خواست، آنان شهادت با افتخار را بر گزیدند و بدین نعمت رسیدند اما تو پسر زیاد، خود را برای پاسخ آن چه انجام دادی آماده کن!. زینب به خشم آمد و برای درهم شکستن جلال و برتری دشمن پیروز سخنان مبسوطی در افتضاح یزید ونظام رسوای آن ایراد کرد که در کمال بلاغت ص ۷

سر حادثهٔ کربلا

اقبال لاهوری

هر که پیمان با هوالموجود بست
مؤمن از عشق است و عشق از مؤمنست
عقل سفاک است واو سفاک تر
عقل در پیچاک اسباب وعلل
عشق صید از زوربازو افگند
عقل را سرمایه از بیم و شک است
آن کند تعمیر تا ویران کند
عقل چون باد است ارزان در جهان
عقل می گوید که خود را پیش کن
عقل گوید شاد شو آباد شو
عشق را آرام جان حریت است
آن شنیدستی که هنگام نبرد
آن امام عاشقان پور بتول
الله الله بای بسم الله پدر
بهر آن شهزاده ی خیر الملل
سرخ رو عشق غیور از خون او
در میان امت کیوان جناب
موسی و فرعون و شبیر و یزید
زنده حق از قوت شبیری است
چونخلافت رشته از قرآن گسیخت
خاست آن سر جلوه ی خیر الامم
برزمین کربلا بارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد
بهر حق در خاک وخون گردیده است
مدعایش سلطنت بودی اگر
دشمنان چون ریگ صحرا لاتعد
سر ابراهیم و اسمعیل بود
عزم او چون کوهساران استوار
تیغ بهر غزت دین است و بس
ما سواله را مسلمان بنده نیست
خون او تفسیر این اسرار کرد
تیغ لا چون از میان بیرون کشید
نقش الا الله برصحرا نوشت
رمز قران از حسین آموختیم
شوکت شام و فر بغداد رفت
تار ما از زخمه اش لرزان هنوز

گردنش از بند هر معبود رست
عشق را ناممکن ما ممکن است
پاک تر چالاک تر بیباک تر
عشق چوگان با زمیدان عمل
عقل مکار است و دامی میزند
عشق را عزم و یقین لاینفک است
این کند ویران که آبادان کند
عشق کمیاب و بهای او گران
عشق گویدامتحان خویش کن
عشق گوید بنده شو آزاد شو
ناقه اش را ساربان حریت است
عشق با عقل هوس پروچکرد
سرو آزادی زبستان رسول
معنی ذبح عظیم آمد پسر
دوش ختم المرسلین نعم الجمل
شوخی این مصرع از مضمون او
همچو حرف قل هو الله در کتاب
این دو قوت از حیات آید پدید
باطل آخر داغ حسرت میری است
حریت را زهر اندر کام ریخت
چون سحاب قبله باران در قدم
لاله در ویرانها کارید و رفت
موج خون او چمن ایجاد کرد
پس بنای لااله (۱) گردیده است
خود نکردی با چنین سامان سفر
دوستان او به یزدان هم عدد
یعنی آن اجمال را تفصیل بود
پایدار و تندسیر و کامکار
مقصد او حفظ آئین است و بس
پیش فرعونی سرش افکنده نیست
ملت خوابیده را بیدار کرد
ازرگ ارباب با طل خون کشید
سطر عنوان نجات ما نوشت
زآتش او شعله ها اندوختیم
سطوت غرناطه هم از یاد رفت
تازه از تکبیر او ایمان هنوز

ای صبا ای پیک دور افتادگان
اشک ما بر خاک پاک او رسان

فرشته انس

پروین اعتصامی

درآنسرای که زن نیست انس وشفقت نیست
درآن وجود که دل مرده مرده است روان
زن ار براه متاعب نمیگداخت چو شمع
نمی شناخت کس این راه تیره راپایان
چو مهر گر که نمی تافت زن بکوه وجود
نداشت گوهری عشق گوهر اندر کان
فرشته بود زن آنساعتی که چهره نمود
فرشته بین که براو طعنه میزند شیطان
اگر فلاطن وسقراط بوده اند بزرگ
بزرگ بوده پرستاری خردایشان
به گاهواره، مادر بکودکی بس خفت
سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان
چه پهلوان وچه سالک چه زاهد وچه فقیه
شدند یکسره شاگرد این دبیرستان
حدیث مهر کجا خواند طفل بی مادر
نظام وامن کجا یافت ملک بی سلیمان
وظیفه،زن ومرد ایحکیم دانی چیست؟
یکیست کشتی وآن دیگریست کشتیبان
چوناخداست خردمند وکشتیش محکم
دگر چه باک زامواج وورطه،توفان
بروزحادثه اندریم حوادث دهر
امید سعی وعملها ست هم ازین هم ازآن
همیشه دختر امروزمادرفرداست
زمادر است میسر بزرگیی پسران
اگر رفوی زنان نکو نبود نداشت
بجزگسیختگی جامه، نکو مردان
توان وتوش ره مردچیست یاری زن
حطام وثروت زن چیست مهر فرزندان
زن نکوی نه بانوی خانه تنها بود
طبیب بود و پرستار روشحنه و دربان
بروزگار سلامت رفیق و یارشفیق
بروز سانحه تیمارخوار و پشتیبان
زنیش وکم زن دانا نکردروی ترش
بحرف زشت نیالودنیکمرد دهان
سمند عمر چو آغاز بدعنانی کرد
گهیش مردو زمانیش زن گرفت عنان
به رسته، هنر و کار خانه، دانش
متاعهاست بیا تا شویم بازرگان
زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
فروخت گوهر عمر عزیزرا ارزان
کسی است زنده که از فضل جامه ای پوشد
نه آنکه هیچ نیارزد اگر شود عریان
هزار دفتر معنی بما سپرد فلک
تمام را بدریدیم بهر یک عنوان
خرد گشود چو مکتب شدیم ما کودن
هنر چو کرد تجلی شدیم ما پنهان
بساط اهرمن خود پرستی و سستی
گراز میان نرود رفته ایم ما زمیان
همیشه فرصت ما صرف شد دراین معنی
که نرخ جامه، بهمان چه بودو کفش فلان
برای جسم خریدیم زیور پندار
برای روح بریدیم جامه، خذلان
قماش دکه، جان رابه عجب پوشاندیم
به هر کنار گشودیم بهترین دکان
نه رفعتست ، فساد است این رویه، فساد
نه عزتست هوانست این عقیده هوان
نه سبزه ایم که روئیم خیره در جروجوی
نه مرغکیم که باشیم خوش به مشتی دان
چو بگرویم به کرباس خو د چه غم داریم
که حله، حلب ارزان شدست یا که گران
از آن حریر که بیگانه بود نساجش
هزار با ربرازنده تر بود خلقان
چه حله ایست گرانتر زحلیت دانش
چه دیبه ایست نکو تر زدیبه عرفان
هرآن گروهه که پیچیده شد به دوک خرد
به کارخانه همت حریر گشت و کتان
نه با نوست که خود را بزرگ میشمرد
به گوشواره و طوق وبه یاره مرجان
چو آب و رنگ فضیلت به چهرنیست چه سود
زرنگ و جامه، زربفت و زیور رخشان
برای گردن ودست زن نکوپروین
سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان

حماسه چیست وشعر حماسی کدام است؟

قسمت دوم

امید هروی

به حماسه در زبان فرنگی Epic وفرانسه Epique می گویند، که اعراب به آن واژه، "الملحمه" را به کار می برند که به معنی جنگ سخت و خونین آمده است. جالب است که بدانیم که تا پنجاه - شصت سال پیش در ادبیات فارسی - دری تعبیر "حماسه" مسلماً برای توصیف شاهنامه فردوسی وجود نداشته است.

نگرشی کوتاه بر آثار حماسی دنیا نشان می دهد که هر قدر تدوین و کتابت این آثار به سالهای پیش و قرنهای گذشته بر گردد اصالت و بینش آن آثار بیشتر می گردد. (سیروش شمیسا -انواع ادبی ص۴۹).

حماسه بار اول توسط دانشمند بزرگ یونان قدیم ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م.) به عنوان یک نوع ادبی شناخته شده است. حماسه معمولاً یک شعر روایی است که روایتگر شرح احوال و اعمال قهرمانی ملتهایست که در راه حصول آزادی و اقتدار ملی گام بر میدارند. خانم میمنت میر صادقی درکتاب مشهورش واژه نامه هنر شاعری در باب تقسیم حماسه می نویسد:

حماسه را به طور کلی به دو دسته تقسیم کرده اند.

۱-حماسه های اولیه یا سنتی یا طبیعی که به صورت شفاهی در بین ملل قدیم وجود داشته و سینه به سینه و نسل به نسل نقل شده است و بعداً به شکل مکتوب و اغلب به صورت شعر در آمده است.

۲-حماسه های ثانونی یا ادبی یا مصنوعی که حاصل تخیل نویسنده یا شاعر است.

چهار اثر حماسی در دنیا خیلی مشهور اند که قدیم ترین آنان حماسه معروف گیلگمش سومری (۳۰۰۰ سال قبل از میلاد) است حماسه ایلیادو اودیسه در یونان (متعلق به هومر) و مهابها را تاورامایانا از ملت هند و بخش هایی از شاهنامه فردوسی از جمله حماسه نوع اولی اند. و آثاری چون انه‌اید (اثر ویرژیل ۷۰-۱۹ ق.م. شاعر رومی) بهشت گمشده اثر جان ملتون (شاعر انگلیسی ۱۶۰۸-۱۶۷۴!) و کمدی الهی اثر الیگری دانته شاعر ایتالیای (۱۲۶۵-۱۳۲۱ م) از جمله نوع دوم آثار حماسی به حساب می آیند. (همان اثر ص-۹۵) تحلیل گران به این عقیده اند که حماسه نیز برخی از تاریخ ملل دنیا است که در میان ملل مختلف دنیا به انواع گوناگونی ارایه گردیده است.

تمام آثار حماسی دنیا به دو شیوه، منثور و منظوم وجود دارد. در زبان دری حماسه های منثوری و جود دارد که اساس کار آثار حماسی منظوم قرار گرفته است چنانچه شاهنامه منثور ابو منصوری در زبان دری مشهور می باشد که فردوسی بزرگ بر اساس آن (و با در نظر داشت بخشی از کار دقیقی بلخی) شاهنامه بزرگ ومشهور خود را نوشته است (شاهنامه مشتمل از بخشهای حماسی افسانه و تاریخ است).

خانم میمنت میر صادقی در شرح حماسه در کتاب خود می نویسد: "از آنجا که حماسه ها، مضمون و محتوی خاصی دارند. بیشتر تاریخ اولیه ملت ها را باز گو می کند، در تاریخ ادبیات ملت ها نیز در دوران خاصی به وجود می آیند، از این رو اوج دوران حماسه سرایی در ادبیات هر ملت زمانی است که ملتها به تجدید حیات ملی خود نیاز و توجه دارند ویاد آوری شکوه تاریخ گذشته وسیله ای برای تقویت روح ملی و ایجاد اتحاد در میان مردم است."

ادر ادبیات فارسی دری معروف ترین و مشهور ترین اثر حماسی همان شاهنامه اثر استاد سخن فردوسی طوسی می باشد که بدون شک اثری ماندگار و فنا ناپذیر است.

از مشخصات خوب شاهنامه فردوسی یکی این است که به قول دکتور شمیسا فردوسی کوشیده است حتی المقدور با دریافت های کهن دست نبرد. به خواندگان خود می گوید که بسیاری از داستان هایش جنبه، رمزی دارد، یعنی با منطق متعارف سازگار نیست".

(انواع ادبی دوکتور سیروس شیمسا ص۵۰).

ادامه دارد.

ویژهٔ زن

دیدگاه زنان دربارهٔ حقوق زن درگذشته وحال جامعهٔ افغانستان

- **مقصد اصلی از تجلیل روز زن چه باید باشد؟**
- **وضعیت حقوق زن را در زمان مجاهدین ، طالبان و فعلاً چگونه ارزیابی می کنید؟**
- **چه تفاوت هایی بین نظر شما و حالت فعلی رعایت حقوق زن و جود دارد؟**

"مجاهد" به مناسبت روز جهانی زن این پرسش ها را با برخی زنان در میان گذاشت که پاسخ های آنان را می خوانید:

زنان شایسته سال باید بر گزیده می شدند



محترمه عالیه حفیظی مدیره لیسه زرغونه از جمله معلمین با تجربه و سابقه دار معارف می باشد که مدت سی ودوسال عمرش را وقف آموزش و پرورش فرزندان کشور گردانیده است.

دردوران تسلط طالبان که در مکاتب به روی دختران بسته گردیده بود وی دست ازآموزش کودکان وطن برنداشت وبه صورت مخفیانه تعدادی از دختران را از صنف اول تا صنف چهارم در س وتعلیم می داد. وی در مورد تجلیل از روز زن گفت: از هشتم مارچ یا روز بین المللی زن امسال در کشور ما تجلیل خوب بعمل آمد. دریک اجتماع بزرگ در پایتخت کشور، زنان شهر و ولایات اشتراک داشتند. زنانی که صرفاً مصروف امور خانه می باشند و صاحب سواد نیستند، آنها هم د ر این اجتماع حضور داشتند. این خود یک موفقیت است که زنان از محدوده کوچک خانه برون می آیند ودریک اجتماع بزرگ زنان اشتراک می کنند. چنین نشستی تأثیر زیادی را برآنها بجا خواهد گذاشت زیرا آنها از نزدیک به بسیاری از مسایل بر می خورند و می آموزند.

وزارت امور زنان ابتکار خوب به خرچ داده بود وبه خاطر بزرگداشت از مقام زن محفلی وسیعی را بر پانموده بود. تدویر چنین مجالس و کنگره ها بالای زنان افغان که از قیودات فوق العاده دوران طالبان بدر آمده اند تأثیر زیاد به جا خواهد گذاشت.

اما آنچه می توانست بر تأثیر مندی و نقش بهتر این بزرگداشت افزون گردد با ید تعدادی از زنان در عرصه های مختلف به عنوان زنان شایسته کاندید و برگزیده می شدند. ما زنان زیادی در بخش تعلیم و تربیه، معدن و صنایع و صنایع دستی داریم و زنانی اند که با وجود مشکلات فراوان فرزندان واقعی به جامعه تقدیم نموده اند و یا با قلم و همنوایی با مردان در صف مقدم مقاومت در برابر طالبان ایستادند، آنها باید به عنوان زنان شایسته انتخاب می گردید ند وامتیازات مادی ومعنوی برای شان تفویض می گردید که این خود با عث تشویق زنان می گردید که دراین راستا در آینده سهم و نقش فعال ادا می نمودند.

وی در مورد آزادی زن گفت: در کشور ما افغانستان که یک جامعه سنتی و مسلمان می باشد، آزادی زن در یک محدوده اسلامی باید مطرح گردد. بعضاً می خواهند از نام آزادی استفاده سوء برند. آزادی زن تنها به پوشیدن لباس رنگارنگ و آرایش نیست. امروز بسیاری از دختران جوان به عنوان استفاده از حقوق و آزادی می خواهند خود را از پابندی به عنعنات و فرهنگ جامعه افغانی دور سازند و هرگونه بی قیدی وبی بند و باری را آزادی عنوان کنند. بلکه آزادی زن در جامعه ما مفهوم دیگری دارد. زنان باید آزادانه با حجاب اسلامی در س بخوانند، در دفاتر کار کنند، در فابریکه ها امور مربوط را انجام دهند ودر محیط فامیلی رفت و آمد کنند.

من تقا ضا می دارم که زنان افغان در هر عرصه یی که مصروف کار هستند باید با حجاب اسلامی نمونه واقعی یک زن افغان باشند.

در مکاتب حجاب مراعات می شود، اما در پوهنتون ها تقاضا یم منحیث یک زن افغان از وزارت تحصیلات عالی این است که لباس های رنگارنگ محصلان اناث تغییر کند. مانند مکاتب لباس یکسان وبی زرق و برق ساده باشد. لباس های رنگارنگ نه تنها برای محصلان جوان زیبنده نیست ، بلکه از لحاظ اقتصادی بار گرانی بردوش فامیل های شان خواهد بود.

در روز ۸ مارچ رادیو یی به نام صدای زن افغان جدیداً افتتاح شد. این سر آغاز یک کار نیکو است. ساعات نشرات آن فعلاً محدود است اگرازدیاد یابد بهتر خواهد بود. در شرایطی که در کشور ما تعداد زنان با سواد کم است آنها نمی توانند از روزنامه و مجله استفاده کنند. آنها از طریق نشرات این رادیو می توانند از بسا مسایل زندگی آگاهی یابند. چنین نشرات تأثیرات زیادی در زندگی زنان بجا خواهد گذاشت. سیستم تعلیم و تربیه وصحت عامه از طریق این رادیو باید و سیعاً انعکاس داده شود تا به گوش هموطنان ما در دور دست ترین نقطه کشور بر سد. معارف زیر بنای کشور است. باید سواد آموزی یک امر سرتاسری گردد و کورس های سواد آموزی برای دختران جوان و کلان سالان ایجاد گردد و دختران خورد سال باید به مکاتب جذب شوند تا بتوانند صاحب سواد گردند.

وی در بخشی از صحبتش زندگی زنان را در شهر و ده به مقایسه گرفته، گفت: در میان زن شهری و زنی که در دهات زندگی می کند تفاوت های زیادی دیده می شود که همه ناشی از عقب ماندگی فرهنگی کشور ما می باشد. بناءً زمینه هایی ایجاد گردد که زن ها در دهات و قریه ها بتوانند صاحب سواد گردند و در زندگی اجتماعی نقش شان برجسته گردد. کورس های سواد آموزی ایجاد گردد ودختران جوان برای کسب سواد جلب شوند. تمام قشر تحصیل کرده مادر شهر جمع شده اند باید از زندگی دهات دور دست آگاهی یابند.

فعلاً چون امکانات میسر نیست زن دهات زن شهری را هیچ نمی بیند. اگر رفت و آمد هایی ایجاد گردد، گروپ های آموزشی و تر بیوی به ولایات اعزام گردد تا حدودی عقب ماندگی تاریخی و عقده هایی که بالاثر همین تفاوت های زندگی ایجاد گردیده اند از میان برداشته خواهد شد. اگر زن دهاتی صاحب سواد گردد می تواند در تربیه اطفال ، تنظیم زندگی خانوادگی و بسا مسایل دیگر مشکل نداشته باشد.

با تقلید کورکورانه از غرب فرهنگ اسلامی خودرا فراموش نکنیم

مسعوده خزان ژورنالیست

به نظرمن وضع زنان در زمان حکومت استاد ربانی از لحاظ سهم شان در امور روز مره وتحصیل طوری بود که دروازه های مکاتب و دانشگاه ها به روی شان بازبود. به استثنای حالات اضطراری (جنگ وراکت باران شدید). زنان به کار های مختلف و موارد علاقه خویش مشغول بودند. زنان دکتر، انجنیر، استاد، مأمور، کارگر، نطاق، ژورنالیست ، ممثل ، هنر پیشه ، افسر و حتی ستیوردس داشتیم. خوب به یاددارم سال ۱۳۷۴ را که جشن پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شده بود وزنان پیلوت (طیارهء چرخبال) از فضای کابل عبور کردند و پراشوتیست های زن نیز سهم خویش را در آن روز ادا نمودند. مگر با تأسف که در آن روز ها گزارشگران حقوق بشر به ناحق گلو پاره کرده و ازنقض حقوق بشر وبه خصوص زن، داد وفریاد سر می دادند....!

در اوضاع کنونی با استفادهء ناروا از شرایط به وجود آمده در کشور، هستند شمار اندکی از زنان که درموسسات خارجی ، انجوها ، سفارتخانه ها، هوتل هاو ... استخدام گردیده و " ساقی دوران" شده اند. همچنان با تقلید کورکورانه از غرب ، فرهنگ اسلامی وعنعنات پسندیدهء خودرا فراموش نموده اند.

تجلیل از ۸ مارچ به نظر من بیشترینه جنبهء تبلیغاتی و ظاهری دارد. تاریخ ثابت کرده که باشعار دادن نمی شود کاری را از پیش برد. محافلی که به این مناسبت همه ساله در کشور ما برگزار می شود؛ به جز اسراف پول و ضیاع وقت دیگر چیزی به دنباله ندارد. در یک محفل عادی بدون طعام و عصریه و کرایه هوتل، با آنکه بسیار احتیاط و دلسوزی شود و بر خلاف معمول؛ هیأت خریداری نیز صادق باشد و مثلاً برای یکصد نفر زن ارزانترین تحفه را تهیه کند؛ نزدیک به ۱۵۰۰۰ افغانی می شود. اما به دلیل اینکه پول جدید چندان ارزشی ندارد واز زمان رایج شدنش نرخ ها دوچند و سه چند بالا رفته؛ حرف جداگانه است .



همه شاهد هستیم که بیشتراز ده ارگان دولتی وغیر دولتی این روز را تجلیل می کنند و هر کدام شان طور جداگانه برای محافل خود شعار هایی ترتیب می دهند. صرف پول تهیه شعار ها مثلاً ۲۰۰۰ افغانی می شود!

در شرایط کنونی که اکثریت مردم به فقر و فاقه مبتلا هستند وزنانی وجود دارند که خود فروشی، گدایی و.... می کنند، آیا بهتر نخواهد بود تا صندوق به نام ۸ مارچ ایجاد گردیده و پولی را که در چنین محافل به مناسبت این روز به مصرف می ر سد در صندوق مذکور بریزند و با این کار گامهای عملی، راه تجلیل از روز زن ، مادر و ... بردارند؟

از مقام زن تجلیل به عمل آمد

به این مناسبت در سراسر کشور مجالس و محافلی در گرامیداشت از مقام و مرتبه زن در جامعه، تدویر یافت. انستیتوت پولی تخنیک کابل به همین مناسبت شاهد یکی از وسیع ترین گردهمآیی ها به منظور قدردانی از موقعیت زن بود.

دراین محفل ، استاد محمدکریم خلیلی معاون ریاست دولت ، لخضر براهیمی نماینده خاص سر منشی سازمان ملل برای افغانستان، وعده یی از وزرا و اراکین دولتی اشتراک ورزید بودند. در محفل پیام محترم حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توسط رئیس عمومی اداره امور محمد یوسف اعتبار، قرائت گردید که در قسمتی از آن چنین آمده است: دولت انتقالی اسلامی افغانستان با شناخت و احترام به حقوق اساسی زنان افغان شرایط را برای سهم گیری بیشتر آنان در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی ، فرهنگی و بازسازی کشور فراهم می سازد.

حرکت به سوی ساختار جامعهء متمدن در افغانستان و تحکیم وحدت ملی به خاطر تأمین صلح سراسری ، بدون شر کت فعال زنان دشوار و نا ممکن است. " روز همبستگی زنان را به شما و همه زنان کشور تبریک گفته ، از بارگاه ایزد متعال توفیق مزید تان را در انجام خدمت به وطن ، تربیه فرزندان وطن دوست، صادق و معتقد به دین مبین اسلام آرزو می نمایم."

درمحفل خانم سرابی و زیرامور زنان سخنرانی مفصل ایراد نمود که مورد توجه حاضرین قرار گرفت و نیز متن از قبل ترتیب شده یی به نمایندگی از محمد ظاهر سابق پادشاه افغانستان در محفل توسط نماینده ایشان قرائت گردید که در آن از دست آورد های دوران حکومت شاه در افغانستان یاد آوری گردیده، در باره آزادی های زنان در آن وقت، تاکیدات خاص صورت گرفت. این محفل بزرگداشت در میان توجهات زاید الوصف حاضران به پایان رسید.

ویژهٔ زن

دیدگاه زنان دربارهٔ حقوق زن در گذشته وحال جامعهٔ افغانستان

لیلما احمدی مدیر مسوول مجلهٔ روز و نطاق تلویزیون:

در کشور ما مقصد اساسی از تجلیل روز زن باید بازنگری وضعیت حقوق زن و کوشش برای بهتر ساختن وضعیت زندگی زنان باشد. این را همه می دانند که کابل ، افغانستان نیست و به نظر من افغانستان باید کابل باشد. یعنی در سرتاسر افغانستان مانند کابل عمل شود.

بدبختانه که تا هنوز در کشور ما در هنگام تجلیل از روز زن ، معمول همین است که به ایراد چند بیانیهٔ اکتفا می شود و حتی می توان گفت که در ۹ مارچ همه چیز فراموش می شود، تا سال دیگر که بازهم هشتم مارچ فرابرسد. منظور از تجلیل هشتم مارچ باید پرداختن به اقدامات عملی در جهت بهبود و ضعیت زندگی زنان ورعایت حقوق زن باشد.

در مورد وضعیت حقوق زن در دوره های حکومتداری مجاهدین، طالبان و حالا باید گفت که دو دورهٔ مجاهدین و دولت فعلی قابل مقایسه است؛ اما دردوره طالبان اصلاً زن به عنوان موجود زنده شناخته نمی شد و حتی با مردان نیز برخورد هایی صورت می گرفت که می توان گفت غیر انسانی بود، اگر مسأله جنگ و راکتباران کابل را کنار بگذاریم که تاثیر خود را بر همه عرصه ها و به ویژه برحالت رعایت حقوق زن وارد کرده بود، من تفاوتی میان رعایت حقوق زن در دورهٔ حکومت مجاهدین ودولت انتقالی اسلامی نمی بینم.

بین نظر من وآنچه که درجامعهٔ ما به عنوان حقوق زن مطرح می شود، تفاوت زیادی وجودندارد. هر چه تفاوت است من درمیان شعار و عمل می بینم. یعنی آنچه به عنوان حقوق زن مطرح می شود ، باید عملی هم شود.

شهلا محصل دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل:

تجلیل از روز جهانی زن یعنی زنده نگه داشتن یک روز تاریخی و پرداختن به رعایت حقوق زن؛ به نظر من، هدف از تجلیل ۸ مارچ باید همین دواصل باشد. متاسفانه که در کشور ما، دایر کردن نشست های ویژه در ۸ مارچ، تمام آنچه را که برای تجلیل از این روز باید صورت گیرد، در خود خلاصه می کند. دراین روز باید احصائیه گیری های دقیق در مورد وضع عمومی حقوق زن در کشورما، به نشر برسد تاهمه بدانند که چه تغییراتی در این عرصه وارد شده ویا به عبارهٔ دیگر چه پیشرفت های حاصل شده است.

در مورد مقایسه وضعیت حقوق زن در سه دورهٔ مختلف طوری که شما عنوان کردید باید گفت که من طالبان را اصلاً پدیدهٔ افغانی نمی شناسم. بناءً این پدیدهٔ متجاوز نه تنها حقوق زنان را پامال کرد، بلکه تمام اصالت های جامعهٔ مارا نادیده گرفته و فرهنگ مارا مورد تاراج قراردادند. اما میان دولتداری مجاهدین و وضعیت فعلی حقوق زن فقط یک تفاوت وجود دارد و آن این که فعلاً در کابینه دو وزیر زن وجود دارد.

فهیمه هادی مدیره لیسه مریم:

با تجلیل از روز جهانی زن باید به بررسی های همه جانبه در پیرامون وضعیت حقوق زن، نقش



زن در جامعه و مسایل دیربط دیگر، پرداخته شود. من باآنکه طرفدار برگزاری محافل ویژه هستم، اما همزمان با آن باید عملکرد های در عرصهٔ رعایت حقوق زن طی حد اقل یک سال به بررسی گرفته شود. و ضعیت زندگی زنان در محلات خارج از شهر ها و حتی در مراکز برخی ولایات رنج آوراست. زنان از حد اقل امکانات مخصوصاً در عرصهٔ صحت و بهداشت بر خوردارنیستندو مهمترین کاری که طی سال گذشته در این راستا صورت گرفت، پروسهٔ تطبیق واکسین ضد تیتانوس بود که آنرا در جایش قابل تقدیر می دانم. ولی روی همرفته ؛ اقدامات در جهت بهبود زندگی زنان بسیار نا چیز است.

درمورد وضعیت حقوق زن طی سه دروهٔ مختلف ، فکر می کنم که دورهٔ طالبان ، دورهٔسیاه تاریخ افغانستان بود و آن دورهٔ سیاه زنان را حتی از حق بیرون شدن از منزل محروم گردانید که آنرا قابل بحث می دانم ولی نه قابل مقایسه با دوره های دیگر. ولی درمورد عصر دولتداری مجاهدین و وضعیت فعلی تفاوت قابل ملاحظه یی نمی بینم. با آنکه در دورهٔ حکومت مجاهدین شهر مورد راکتباران قرار داشت، ولی زنان و دختران مصروف کار در ادارات ، تحصیل و تعلیم بودند و تعزیر خاصی درمورد وضع نگردیده بود. اما جنگ خواهی نخواهی اثرات منفی خودرا بر هر عرصه یی از زندگی وارد می کند که آن مورد مبحث جداگانه است . در دولت انتقالی اسلامی نیز به زنان ارج گذاشته می شود حتی با پیروزی جبهه مقاومت بر طالبان و شکست آن رژیم سیاه، برای نخستین بار یک زن کاندیدمقام ریاست دولت گردید و هم اکنون در کابینه دولت دوزن به حیث وزیر حضور دارند که پیشرفت قابل ملاحظه است.

به نظر من زنان هم اکنون از حقوق نسبی خود بر خوردار اند. حق تشکیل سازمان ها را دارند، در عرصه های مختلف علمی ، اجتماعی و اداری مصروف کاراند. حق تحصیل را دارند وبه گفتهٔ قهرمان ملی کشور" می توانند کارکنند ، تحصیل نمایند، کاندید شوند وحق رأی داشته باشند".

ناجیه امید معاون ریاست تحلیل سیاسی آژانس اطلاعاتی باختر:

و ضعیت فعلی زنان اگرنه در کل کشور ، که در سطح تعدادی از شهر های بزرگ من جمله کابل بهبود قابل ملاحظه ای یافته است؛ از مزایا ی سال جاری یکی هم این است که زنان و دختران از محدودهٔ خانه بیرون شدند و مجال آن را یافتند که به مکتب، دانشگاه، دفتر و فابریکه حضور پیداکنند.

دروازه های مکتب ودانشگاه اکنون برای زنان ودختران باز است واین برای کلیه دختران و زنان افغانستان که حد اقل (۶) سال از نعمت درس و تحصیل محروم بودند یک ودیعه بزرگی می باشد.

آنچه مبرهن است این است که زنان هر چند در مقایسه به سال های قبل وضعیت بهتری دارند ولی این به هیچ وجه بسنده وکافی نمی باشد.

صرف نظراز فراهم شدن زمینه کار و تحصیل برای عده یی از زنان و دختران در تعدادی از شهر و مناطق دیگر کشور،



زنان و دختران از وضعیت حقوقی خوبی برخوردار نیستند.

هنوز دختران افغانستان به اساسی ترین حق شان که همانا مسأله انتخاب همسر آینده است نرسیده اند. در کلیه مناطق افغانستان فقط پدران وبرادران است که برای فرزندان و خواهران شان همسر انتخاب می کنند و ناگزیر دختران معصوم تا پایان زندگی در اسارت این انتخاب خوب یاخراب باقی می مانند. زنان و دختران اصلا به مثابه انگشت ششم در تعدادی از خانواده ها هستند هر چند جامعه ما به فضل خداوند جامعه کاملاً اسلامی است ولی ان حقی را که اسلام برای دختران و زنان داده است نیز مراعات نمی کنند. امسال با تجلیل از روز زن آروزی صمیمی داریم که برادران ما در جهت تأمین حقوق زنان قدم های رسا یی بردارند. واین نکته را بدانند که زن انسان است و برآنها حقی دارد.

از کتاب "اینک خورشید ازغرب طلوع می کند"

یک زن جوان امریکایی
داستان به اسلام گرویدنش را باز می گوید

چگونه ایمان آوردم؟

در بیستم ماه سپتامبر ۱۹۹۱ به دین اسلام مشرف شدم. اگر ۵ سال زودتر به من گفته بودید که اسلام خواهم آورد هیچ وقت باور نمی کردم. هدایت خداوند چنان دائمی وعجیب بود که حالا متوجه می شوم تمام زندگی ام در حال رفتن به سوی آن لحظه حساس بود. خیلی مشکل است که دقیقاً بگوییم چه عاملی باعث مسلمان شدن من شد. زیرا این سفر یک جریان مداوم بود که سه سال طول کشید . آن سه سال هم سخت و هم لذت بخش بود. نظرم در بارهٔ خودم و دنیا خیلی تغییر کرد. یک سری از اعتقاداتم تحکیم شد. بعضی از آنهاهم از بین رفتند. گاهی احساس می کردم که دارم خودم را گم می کنم و گاهی هم با خود می اندیشیدم که این راه راهی از پیش تعیین شده برای من است و بنابراین از آن استقبال کردم.

در تمام طول آن سالها یک سری از جنبه های اسلام توجه مرا به خود جلب کرد. مطالعاتم به صورتی آرام و منظم مرابه سوی روزی که شهادتین را به زبان آوردم، هدایت کرد.

انسانگرایی سکولار (دوران غیر معنوی)

قبل از آشنایی با دین اسلام به خاطر دارم که خیلی به دنبال ارضای جنبه معنوی در زندگی بودم . اما هیچ چیز قابل قبول یا قابل دسترس در این زمینه برایم وجود نداشت. بهتر است بگویم که اساساً فردی سکولار بودم. بر اخلاقیات تأکید می کردم اما هرگز آنها رابه معنویت یا خدا ربط نمی دادم. به نظر می رسد دین رایج کشور ما یعنی مسیحیت که شخص را بسیار گناهکار می پندارد با ادیان دیگری آشنایی نداشتم. ای کاش می توانستم، با احساس دنیایی خالی از معنویات، زودتر به جنبه معنویت بپردازم و مطالعات بیشتری به صورت عمیقی در مورد مذاهب گوناگون داشته باشم. اما با این حال مسأله زندگی را سرسری میگرفتم. خانواده و دوستانم ، دوستدار و حامی من بودند، بسیار از مطالعات دانشگاهی ام لذت می بردم و در دانشگاه موفق بودم. این آشنایی اتفاقی من با مسلمانان مختلف با عث شد به مطالعات اسلامی روی آورم.

مطالعه در باره زن از دیدگاه اسلام

از آنجایی که خود را فمینیست می دانستم مطالعات اولیه من حول محور نظر اسلام در باره زنان بود. فکر می کردم که اسلام حقوق زنان را پایمال می کند. در کورس های دانشگاهی درمورد مطالعه زنان خوانده بودم که زنان مسلمان اجازه ندارند خانه را ترک کنند و مجبورند روسری بر سر داشته باشند. البته من به حجاب به عنوان ابزاری برای پایمالی حقوق زنان در دست مردان می نگریستم. در حالی که حجاب برای ابراز احترام به شخصیت ووقار زن است. آنچه که از مطالعات دستگیرم شد، مرا به تعجب واداشت. اسلام نه تنها حقوق زنان را پایمال نمی کند، بلکه حقیقتاً به آنها بیشتر (از غرب) آزادی می دهد. اسلام حقوقی برای زنان در قرن هفتم قائل شده است که ما فقط حالا دراین قرن و دراین کشور بدست آورده ایم. حقوقی از قبیل داشتن ثروت و دارایی، حق رأی دادن، حق طلاق، حق تشکیل خانواده با اجازه خود زن وغیره.

در ک این مسائل خیلی آسان نبود. در ابتدا خیلی با آن مخالف بودم اما هیمشه برای سوالاتم جوابهایی داشتم. چرا تعدد زوجات در اسلام وجود دارد. بعداً متوجه شدم که تعدد زوجات در صورتی جایز است که مرد به طور مساوی حقوق زنان را رعایت کند. با وجود این دراسلام نیز زیاداز آن نهی شده است. همچنین تعدد زوجات برای زمانی است که تعداد زنان بیشتر از مردان باشند مخصوصاً در زمان جنگ تا اینکه زنان از حق بچه دار شدن و ارتباط زناشویی محروم نگردند.

علاوه براین (نظر یه تعدد زوجات) خیلی بهتر از روابط نا مشروعی است که در این جا رواج دارد. زیرا زن یک حق شرعی و قانونی دارد که بچه دار شود. این یکی از سؤالات من بود که جواب آن در نهایت به من اثبات کرد که زنان در اسلام دارای حقی کامل مثل اشخاص دیگر در جامعه هستند.

زنان روسیه وترجیح خانه نشینی

آخرین نظر سنجی ها نشان می دهد مردم روسیه براین باور اند که جایگاه مناسب زنان خانه است .

چهل فیصد مردمی که با سازمان رو میر مونترنیک مصاحبه کرده اند، گفته اند نقش ووظیفه عمده زنان، مادر بودن وتربیه اولاد درخانه است وبیست وسه فیصد برین باور اند که زنان مسؤولیت تهیه وسایل وممکنات به خاطر آرام وآسوده ساختن مردها رادارند.

پنج فیصد مردم گفته اند زنان باید به خاطر تجارت وکسب کار مبارزه کنند، تنها دو فیصد گفته اند که زنان می توانند در سیاست مداخله نمایند.

نيويارک ټايمز:

دبگرام په هوايي اډه کې دبنديانو حالت دانديښني وړ دي

دامريكا پوځ دهغه افغان سړي دمرګ په باب څيړنې پيل كړي دي چي دتير دسامبر په مياشت كې دامريكايانو په توقيف كې مړ شو.

په دي باب نيو يارك ټايمز په خپلې وروستي ګڼه كې يو ريپوټ خپور كړي دي چي دهغي ځينې برخي ته ستاسو پام رااړو:

د دلاور په نامه يو درويشت كلن ځوان دتير دسامبر په مياشت كې دامريكايي ماهرانو له خوا دبګرام په هوايي اډه كې په توقيف كې په قتل ورسيد، خو دامريكي پوځ وايي: دغه سړي دزړه دحملي له كبله د دسامبر په لسمه نيټه په خپله كوټه كې مړ پروت وه.

دنيويارك ټايمز ورځپاڼه د دووپښتو بنديانو عبدالجبار او عليم شاه په وينا ليكي:

دوي ښاغلي دلاور دبګرام په هوايي اډه كې ليدلي وه.

دوي وايي: دتوقيف په وخت كې ده ته زولني ور اچول شوي وي او په سريي كځوړه ور اچول شوي وه او دي مجبور وه چي دډير وخت له پاره لوڅ او ځاي پرځاي دريدلاي واي او په ورځو ورځوبي بيخوبي ګاللاي واي.

نيويارك ټايمز زياتوي: دبنديانو سره داډول چال چلند ډير سوالونه را پيدا كوي په داسي حال كې چي جمهور رئيس بوش لاپخوا ويلي وه چي دري زره مظنون تروريستان په مختلفو هيوادو كې نيول شوي چي اوس امريكي ته خطر نه شي پيدا كولاي.

كه څه هم د امريكي دپوځ قوماندان ويلي چي دنوموړي دقتل په باب تحقيقات روان دي؛ خو دايي هم ومنله چي بنديان مجبور دي د ډير وخت له پاره په دووپښو ولاړ پاتي شي. خو ده داخبره رد كړه چي بنديان يي چت پوري په ځنځيرونو تړلي دي. دنيو يارك ټايمز دورځپاڼي په حواله يو بل تن د حبيب الله په نوم چي د ارزګان د ولايت اوسيدونكي وه هم په توقيف كې مړ شوي دي.

د امريكې پوځ وايي نوموړي دوينو دجريان دخرابيدوله كبله مړ شوي دي.

پخواني بنديان وايي هلته تقريباً سل كسه بنديان و و چي دوي مجبور و و چي په دوه پښو ودريږي او ددوي لاسونه په ځنځيرونو تړلي او چت پوري ځوړندوو، ددوي په پښو كې زولني وي او دوي نه شواي كولاي دشپي ياورځي له خوا حركت وكړي او دي حالت په ورځو ورځو دوام درلود. نيويارك ټايمز ليكي: عليم شاه وايي شپاړس ورځي مي دبګرام په هوايي اډه كې په دويم پوړ كې په همدي حال تيري كړي چي وروسته له لسو ورځو مي پښو اوزنګنو پړسوب وكړ اونور دوينو جريان بند شو. هغه وايي: دي تل لوڅ ولاړ وه او دسړوله لاسه يي خوب نه شو كولاي او هم امريكايي عسكرو دوي وهل.

ترټولو لوي سپكاوي داوه چي دي يوي ښځي واهه او هغه هم هيڅ نه شواي كولاي.

دنيويارك ټايمز ورځپاڼه ديوتن بندي عبدالجبار په وينا ليكي چي دلاوريي ولېد چه سريي پټ او بي حاله وه او حالت يي ډير خراب وه.

ما هغه ته وويل ډير مه ښوره چي زيات په عذابيږي. او ما به ورته ويل فكر مه كوه څو ورځو كې به خلاص شي، خودي بيريدلي وه دتنفس له پاره يي اكسيجن ته ضرورت درلود.

هغه ډير ناروغه ښكاريده، مخ يي توره لمبه كوله او په پښوكي يي زولني وي او ډير غمجن ښكاريده.

نيريارك ټايمز ليكي: ددلاور كورني وايي هغه يوساده ځوان وه او په خپل ژوند كې له كوره نه وه جلا شوي.

په پاي كې نيويارك ټايمز وايي: دسره صليب چارواكي دبنديانو په باب دامريكي حكومت ته خپلي انديښني بيان كړي دي او دبګرام دهوايي اډي د توقيف په باب يي دپلټنو غوښتنه كړي.

او همدا دسره صليب ماموريـن وه چي ددغو كسانو مړي يي دهغوي كورني ته سپارلي دي.

اخبار خارجی

عدم اجازه ورود سر بازان امریکا به ترکیه

پارلمان ترکیه بعد از یک هفته شور وبحث سر انجام شب یکشنبه گذشته به طرح پیشنهادی حکومت رأی منفی داده وآنرا تصویب نکرد. به اساس طرح مذکور، درصورت تصویب آن از طرف پارلمان، به ۶۲۰۰۰ سرباز امریکایی، ۵۰۰ فروند هوا پیمای جنگی وباربری وهزاران تانک اجازه می دهد به مدت شش ماه از پایگاه های نظامی ومیدان های هوایی آن کشور استفاده نموده وازطریق خاک ترکیه وارد عراق شده وجبهه، جدیدی رادرشمال عراق بکشایند وهمچنان ارتش ترکیه اجازه می یافت وارد شمال عراق، عمدتاً کردنشین شود.

ازیک هفته پیش هزاران سرباز امریکایی درمرز ترکیه منتظر تأیید پارلمان بودند تا وارد ترکیه گردند. رأی پارلمان جهان به ویژه امریکا را متحیر ساخت. چون آن کشور با طمطراق وساز وبرگ نظامی درسرحدات ترکیه لنگر انداخته بودند ترکیه طی مذاکرات طولانی با ایالات متحده امریکا خواهان کمک های اقتصادی ونظامی وتضمین سیاسی واجتماعی گردیده بود. انقره ادعا دارد در صورت بروز جنگ وادامه، آن تا دو هفته چهار میلیارد،الی یک ماه هشت میلیارد وتا چهار ماه سی میلیارد دالر آن کشورضرر می بیند.

بناءً ترکیه از امریکا خواهان سی میلیارد دالر کمک گردید که امریکا قسمت أنرا قبول نموده است. هکذا ترکیه از امریکا خواسته است بعد ازسقوط صدام حسین به کردهای عراق آزادی عام وتام ندهد چون این اقدام به کردهای ترکیه سوژه مبارزه وتشکیل حکومت رامی دهد.

رأی پارلمان ترکیه حد اعلی تطبیق آزادی ودیموکراسی رانشان می دهد. چون پارلمان درکنترول حزب عدالت وتوسعه رجب طیب است. رجب طیب رهبر حزب وعبدالله گل صدراعظم ترکیه ومعاون حزب خواهان تصویب طرح بودند اما اعضای دیگر حزب مخالف آن رأی دادند. از ۵۳۴ عضوحاضر پارلمان ۲۶۴ رأی موافق، ۲۵۰ رأی مخالف و۱۹ رأی ممتنع دادند، بدین گونه حکومت نتوانست حد نصاب رابه دست بیاورد.

تنها راه، پیش حکومت ارائه مجدد طرح مذکور به گونه تعدیل شده به پارلمان می باشد. بازهم تایک هفته دیگر این کار میسر نخواهد بود وسر بازان امریکا مجبور اند چندین روز دیگر در دروازه ترکیه منتظر بمانند. ویا راه دیگری راکه پر هزینه تر است انتخاب نمایند.

صدر اعظم فلسطین تعیین گردید

یاسر عرفات رهبر اداره خودگردان فلسطین به روز جمعه گذشته محمد عباس "ابو مازن" نفر دوم سازمان آزادی بخش فلسطین را به پست صدارت نامزد نمود. درپی کدورت روابط بوش وعرفات، انتفاضه وقیام فلسطینی ها و واکنش خشن شارون در مقابل انتفاضه، ضرورت رهبر جدید فلسطینی ها شدیداً احساس می گردید.

محمود عباس ۶۸ ساله یکی از طرفداران مذاکره با زمامداران اسرائیل بوده، اوبه این باور است که انتفاضه، آنها ازطریق راهپیمایی وانداختن سنگ ادامه پیدا کندنه ازراه جنگ وتفنگ.

ابومازن دردهه، هفتاد که اکثر اعضای سازمان الفتح طرفدار احقاق حقوق به زور تفنگ بودند تاکید بر حل مسایل ازطریق گفتگو با دولت اسرائیل را می نمود. ابو مازن فارغ التحصیل دانشگاه دمشق ودکتورای خودرا ازدانشگاه مسکو گرفته است.

رهبر حزب عدالت وتوسعه به پارلمان راه می یابد

رجب طیب اردوگان رهبر حزب عدالت وتوسعه ترکیه درانتخابات نیم دوره یی روز یکشنبه گذشته "۱۸ حوت" از زمره کاندیدای قوی پیروزمند محسوب گردیده ودر صورت راه یافتن به پارلمان ترکیه، به حیث صدراعظم آن کشور به جای عبدالله گل نخست وزیر فعلی ترکیه انتخاب خواهد شد. اردو گان به اتهام سرودن شعری درسال ۱۹۹۸ از سوی دادگاه عالی آن کشور محکوم به حبس ومحروم از فعالیت سیاسی گردیده بود، درهمین راستا نتوانست در انتخابات سال گذشته اشتراک نماید.

ایالات متحده امریکا بی صبرانه انتظار پیروز شدن اردو گان را دارد تا موصوف بتواند پارلمان را درباره، استفاده، میدان هوایی وپایگاه نظامی ترکیه از سوی امریکا قانع سازد وزمینه، دخول ۶۲ هزار سرباز امریکایی که از یک ماه بدینسو در دروازه های ترکیه لمیده اند با توافق پارلمان میسر سازد. پارلمان ترکیه هفته، گذشته طرح پیشنهادی حکومت راطور غافلگیرانه وغیر مترقبه رد نمود.

اگر این پیشنهاد تصویب می گردید هزاران سر باز امریکایی همراه باسازوبرگ نظامی یک جبهه جدیدی راعلیه بغداد درشمال آن کشور می گشودند. حکومت ترکیه در ازای این اقدام از ایالات متحده امریکا در پهلوی ضمانت های سیاسی واجتماعی کمک اقتصادی به ارزش سی میلیارد دالر امریکایی خواسته بود که بیست میلیارد آن به قسم اعتبار ومتباقی کمک بلا عوض بود که جانب مقابل پذیرفته است.

زینب وارث انقلاب...

و شیوایی پوکی وپوچی وزوال دستگاه به ظاهر پیروز او و شهادت به حق و تداوم و استمرار راه برادرش را به یزید و اطرافیانش تلقین نمود. زینب در خلال سخنانش به یزید گفت:

"یزید! چنین می پنداری که چون اطراف زمین و آسمان را برماتنگ گرفتی، و مارا مانند اسیران از این شهر به آن شهر بردند، ما خوار شدیم و تو عزیز گشتی؟!!... پسر آزاد شده! این عدالت است که زنان ودختران و کنیزکان تو پس پرده به عزت بنشینند و تو دختران پیامبر را اسیر کنی، پرده حرمت آنان را بدری و صدای آنان را در گلو خفه کنی، و مردان بیگانه آنان را بر پشت شتر از این شهر به آن شهر بگردانند؟!... ای یزید! به خدا تو در دیده من ارزش آن را نداری که سر زنشت کنم یا تحقیرت نمایم. اما چه کنم اشک در دیدگان حلقه زده و آه در سینه زبانه می کشد...".

درگیری زینب با نظام حاکم دراینجا پایان نمی یابد او لحظه یی از مبارزه بر ضد ستمگاران دست نمی گیرد و پیوسته پرچم جهاد علیه ظلم و انحراف را بر افراشته نگهداشته و پیام نهضت حسین را در گوش نسل های آینده می خواند. زمانی که عمر بن سعد والی یزید در مدینه وجود زینب را برای زمامداری یزید خطر جدی تلقی می کند و از وی به دمشق شکایت می نماید در این وقت است که او پس از هفت ماه از حادثه اسفناک کربلا راه دیار مصر در پیش می گیرد تا مسلمانان مصر را نیز از جنایت یزید و انحراف دستگاهش آگاهی بخشد. زینب بعد از پنجاه وهفت بهار زندگی در سال ۶۲ هـ.ق. به سوی پروردگارش شتافت در حالی که پیام خون و فلسفه، انقلاب حسین را به همه، مسلمانان رسانیده و برای نسل ها و عصرهای آینده باز گفته بود.

با ویژگی ها و برازندگی هایی که زینب دارد نمی توان شخصیت او را در عرصه یی محدود کرد بلکه او در همه، ابعاد گوناگون زندگی بهره مند از کمال و سزاوار اقتداء است.

واکنون که ما از مقام بلند و شخصیت بزرگ زینب ونقش سازنده او در تغییر جریان تاریخ سخن می گوییم چقدر زن جامعه، خویش را که از شش جهت شخصیت و هویتش مورد هجوم قرار گرفته است نیازمند زینب می باشد تا خویشتن را با اقتدا به او و پیوستن با او از تهی شدن از خویش و ملعبه گردیدن در دست دگران نجات دهد و از حضیض شی بودن به معراج انسان شدن ارتقاء یابد.

دانستنی های علمی

ارتباط سقط جنین با بیماری قلبی

یک پژوهش جدید نشان می دهد زنانی که در سنین پایین جنینشان سقط می شود، با خطر بیشتر ابتلا به امراض قلبی در سال های بعدی عمر خود، رو به رو هستند.

طبق گزارش بخش علمی رادیو بی.بی. سی. پژوهشگران پوهنتون کمبریج اطلاعات مربوط به ولادت هارا از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ و همچنین مرگ و میرها یا موارد بستری شدن درشفاخانه به دلیل مرض قلبی را بین سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۹ در اسکاتلند تجزیه و تحلیل کرده اند.

بر اساس نتایج این آزمایش، زنانی که سابقه سقط خود بخودی جنین در حاملگی هارا در سنین پایین داشتند، با خطر بیشتر ابتلا به مرض قلبی رو به رو هستند، ولی در مورد کسانی که سقط نداشته اند، چنین نیست.

سقط جنین پدیده ای بسیار معمول است به طوری که ۱۵ درصد ولادت ها به سقط جنین می انجامد، ولی متخصصان می گویند همه کسانی که سقط جنین داشته اند، در معرض خطرمرض قلبی نیستند.

به طور مثال گروه کوچکی از زنانی هستند که مشکل لخته شدن خون دارند که همین مساله می تواند باعث سقط جنین و مشکلات قلب در آینده شود. در این حالت گفته میشود "ترومبوفیلی" موجب این سقط شده است.

نتیجه این تحقیقات در "نشریه طبی بریتانیا" به چاپ رسیده است. محققان می گویند که این اولین پژوهشی است که ارتباط مشخصی میان سقط خودبخودی جنین و مرض قلبی را نشان می دهد.

از سویی دیگر، پروفیسور "لجر" یکی از متخصصان زنان و زایمان،می گوید: ما می دانیم که برخی از گروه های زنانی که سقط جنین می کنند، سندروم های ترومبوفیلی دارند و بعداً به بیماری های قلبی - وعایی مبتلا می شوند، ولی بیشتر زنانی که سقط می کنند، ترومبوفیلی ندارند و اگر هم داشته باشند، خطر ابتلا به مرض قلبی در آنها بسیار کم است.

او می افزاید: اگر خطر ابتلا به بیماری قلبی در اثر سقط جنین را با خطر کشیدن ده سگرت در روز به مدت ده سال مقایسه کنیم، باید گفت که در صورت مصرف این میزان سگرت، خطر گفته شده پنج برابر بیشتر است.

گرد آورنده: دکتر محمد طاهر

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره هفدهم دوشنبه ۱۹ حوت ۱۳۸۱ - ۷ محرم الحرام ۱٤۲٥ - 10 March 2003

پیام کربلا

آزادگی وشجاعت وشهادت است

احمد فواد

موج خون او چمن ایجاد کرد
تا قیامت قطع استبداد کرد

اندیشه اصلاح وساماندهی بی سروسامانیها وشیر ازه بندی ازهم گسیختگی های جوامع انسانی یکی از آیات بنیان زبور زندگی است که در ژرفای تاریخ ریشه های آن فرورفته و هر جا که خود کامگی افراد و گروه ها، به پارهپاره کردن اوراق دفتر زندگی بشری دست می یازدوبه حکم سنت های تاریخی حاکم بر جوامع باید ضمیرهای بیدار به پاخیزند و فریاد عدل و داد را برضد بیداد گری ها و نارواِئی ها طنین انداز نمایند.

واما این فکر سازندگی واندیشه اصلاح گستری در چمن زار آموزه های دینی لاله گلی است جوانه زده از اعماق معرفت دین که اسلام هم به عنوان آخرین پیام رسان، زمزمه جان نواز اصلاح وداد و عدل و قطع ریشه های ظلم و استبداد را به آواز رسا در گوش همه جهانیان زمزه کرده وبه زبان راستین پیام آور خویش مژده داد که در آغاز هر سده احیا گرو مجددی خواهد رسید که دین راتجدید و خرافه زدایی نماید و آنرا با چهره اصلی اش به نمایش گذارد.

قیام وخیزش امام حسین نخستین تک سوار جنبش احیا گری و غبار زدایی از چهره آئینی است که نیای بزرگواری او به عنوان پیام آور عدل و قسط به جوامع محکوم ستمروائیها و خود کامگی در پهنه تاریخ می باشد.

بدون شک بیدادی جرثومه های فساد زمانی جوامع انسانی را به نابودی تهدید می نماید که رهبری ها دچار فساد گردند که یقیناً در چنین حالتی به حکم "الناس علی دین ملوکهم" و بای فساد به همه جامعه نشر می نمود وتگرگ آن سر تاسر باغ را در هم می کوبد افزون بر آن مبارزه میان خیر وشر هم آیتی است از آیات کتاب هستی که کار زار آن در درازای تاریخ هستی داغ بوده و بر بنیاد همین سنت آفرینش است که پیامبر اکرم هنگام خطاب به حضرت علی می گوید "اگر توسط تو فردی هدایت و رهیاب گردد، مزد آن از همه شتران سرخ موی عرب برای تو بهتر است"

آری بر بنیاد چنین باورهای است که بعد از بر قراری ملوکیت که به تعبیر اقبال" ملوکیت همه مکر است و نیرنگ" و گسیخته شدن رشته خلافت که بازهم به تعبیروی "خلافت حفظ ناموس الهی است" جامعه اسلامی دچار وبایی استبداد گردیده و پیام آزادی و آزادگی و عدل و داد اسلام توسط خو کامگان چون یزید و یزیدیان به چالش گرفته می شود وسیه ابرهای زورگویی و قلدری بر آسمان صاف، صفا و اخلاص جامعه نو پای اسلامی چهره می شود، و به گفته اقبال:

چون خلافت رشته از قران گسخیت
حریت راز هر اندر کام ریخت

بلی! چنین وضعی حضرت امام حسین در برابر دشمنان لا تعد ولا تحص با وصف آنکه می داند پایان کار زار او شهادت است، با این شعار که "هیهات منا الذ له" به رهروان راه عزت و آزادگی درس شهامت و شجاعت می دهد و رمز آموز سپاهیان مکتب توحید می شود.

رمز قرآن از حسین آموختم
ز آتش او شعله ها اندوختم

جنبش ظلم ستیزی امام حسین پیامی دارد بس عزت آور و زندگی ساز که ملت مجاهد افغانستان با الهام از آن در برابر بیراهگی های زمامداران فاسد و عدم پاسخگویی آنان به خواست توده های تکبیر شعار این سرزمین وفساد و انحراف حکومت های دست نشانده و استفاده های ناروای آن ها از دین به خاطر مشروعیت بخشیدن به اقتدار خویش، در برابر استعمار انگلیس و تجاوز اتحاد شوروی متوفی و مزدورانش و مزدوران پرورش یافته دامان توطیه های منطقه ای و بین المللی یعنی گروه مزدور طالب، به جهاد و مقاومت به پا خاستند و مردانه رزمیدند.

و رهروی مکتب اسلام عزت شعار و راه حسین شهادت شعار را به اخلاف و آیندگان این ملت مجاهد در صفحات تاریخ این سرزمین به خط درشت ثبت نمودند.

شیپور جنگ ...

کولن پاول شدیداً ردگردید. به وضاحت درجریان سخنرانی اعضای شورای امنیت در پی گزارش بازرسان تسلیحاتی ملل متحد درباره آخرین تحرکات عراق در جهت خلع سلاح، اختلاف وتفرقه موجود میان اعضای شورای امنیت در بارهٔ اقدام نظامی را تأیید کرد . هانس بلیکس رئیس باز رسان تسلیحاتی سازمان ملل متحد به شورای امنیت گفت پروسهٔ خلع سلاح عراق به ماه ها ضرورت دارد نه سال ویا هفته. وتاکنون عراق با این هیأت همکاری خوبی داشته است .

بادرنظر داشت کلمات رد و بدل شده میان اعضای شورای امنیت، این نکته به خوبی روشن است که قطعنامهٔ پیشنهادی انگلیس وامریکا که قرار است روز سه شنبه به رأی دهی گذاشته شود از طرف فرانسه ویتو خواهد شد واز سوی دیگر انگلیس وامریکا باوجود آن، علیه بغداد داخل جنگ خواهند شد و در این صورت تمام معیارهای اخلاقی ونورم های پذیرفته شدهٔ بین المللی از سوی حامیان وبنیانگزاران آن نقض خواهد شد وباعث تیرگی وکدورت هرچه بیشتر روابط میان اروپا وامریکا خواهد شد .

از نامه های آمده

کابل باید له یو طبیعي ناورین څخه وژغورو

دمجاهد محترمې جریدې ته!

هیله من یم چې زما وړاندیز کابل ښاروالي او اړوندو مسوولینو ته ورسوي. تولو ته څرګنده ده، چې دکابل سیند دهیواد له مهمو سیندونو څخه دي، چې د پغمان دغرونو له هسکو څکو څخه سرچینه اخلي او بیا دکابل له زړه تیریږي چې دغي ښار ته ځانګړي ښکلا وربښي، خو دڅو وروستیو کلنو په ترڅ کې دوچکالي له کبله په یوي کوچني ویالي بدل شوي و، چې هغه هم یواځي دحمل او ثور په میاشتو کې به یې یو څه اوبه لرلي او له هغي وروسته به وچیده، چې دا کار ددي لامل شو چې دکابل سیند په یو پراخ تجارتي بازار بدل شي او په هغي کې په سلګونو کراچي او دوکانونه دخلکو له خوا ځاي پرځاي شي، چې اوس له ګڼي ګوڼي څخه یوډك بازار دي، چې دتیتانیك بازار په نامه یادیږي. دغه راز دپل محمود خان په ساحه کې دسیند د دواړو غاړو دیوالونه دځینو خلکو له خوا له منځه وړل شوي دي او دسیند په منځ کې دموټر د وینځلو ځایونه جوړ شوي دي او داسي درواخله بیا دمکروریانو پله ته نږدي دشګي چلولو په موخه هم دسیند د دواړو خواو ټول دیوالونه تقریبا نړول شوي دي

وروستیو وریښتونو دا هیلي پیدا کړي دي، چې ان شاء الله سږ کال به داویاله یوځل بیا په یو څپانده سیند بدل شي. چې دنظر دخاوندانو په آند دتیتانیك بازار، دسیند د دواړو غاړو د دیوالونو تخریب او په سیند کې کثافات او اضافه خاوري کولاي شي چې کابل ښار له سترو ستونزو او آن له ګواښ سره مخامخ کړي. د دوي په آند څو ورځي وروسته چې هوا توديږي او ژمي پاي ته رسیږي ورسره یوځاي دپغمان دغرونو واوري هم په ویلیدو پیل کوي او دکابل دسیند او به ډیریږي، چې په پایله کې یې ښایي دغه کراچي او دوکانونه ونړوي او له ځان سره یې یوسي چې داکراچي او هغه تختي او ډاګي چې د دوکانونو په جوړولو کې تري کار اخستل شوي تر پل باغ عمومي. پل خشتي او آن پل محمود خان لاندي ونخلي او د اوبو دبهير پروړاندي به خنډ را منځته کړي، چې په پایله کې به یې او به دسیند د دیوالونو له دواړو غاړو (چې ډیري یې دهمدي بازار دپلورنکیو، دموټر وینځونکیو او شګي چلونکیو له خوا تخریب او په اصطلاح سیند ته دکښته او پورته کیدو لار تري جوړه شوي ده). واوري او دسیند د دواړو خواو ودانیو ته به لار پیدا کړي. دا وداني چې اکثراً زړي او ډیري پخواني دي په ډیري آساني له منځه تللاي شي؛ نو زما وړاندیز اړوندو ادارو ته دا دي، چې مخکي له دي چې له داسي ستر ناورین سره مخامخ شو، باید دهغي د مخنیوي له پاره تدابیر وسنجول او په اصطلاح وقایه شي، یعني دسیند له منځه ټول بازارونه لري او یو بل ځاي ته ولیږدول شي، دغه راز دسیند د دواړو خواو دیوالونه ترمیم او جوړ شي او سیند باید له کثافاتو او اضافي خاورو څخه پاك شي. تر څو وکولاي شو دکابل ښار چې یوه زیاته برخه یې دجګړو په ترڅ کې له منځه تللي ده بله برخه یې په طبیعي افت له ورانیدو وژغورو.

په درناوي انجنیر اجمل